

آموزشی آبجدرپی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای آموزگاران، دانش‌جو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست و هفتم | دی‌ماه ۱۴۰۲ | شماره‌ی پی‌دی‌بی ۳۱۷ | ۴۸ صفحه
www.roshdmag.ir



تعلیم و تربیت چندساحتی



التَّجَمُّلُ مِنَ اخْلَاقِ الْمُؤْمِنِينَ
آراستگی از اخلاق مومنان است.

امام علی ع غررالحکم، ص ۴۲۵

آموزشی ابتدایی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

خانواده‌ی مجلات رشد همه‌ی تلاش خود را کرده است تا این مجله در دسترس عموم جامعه‌ی تربیتی کشور قرار گیرد و همه‌ی مخاطبان در مین عزیز اسلامی‌مان امکان تهیه‌ی آن را داشته باشند.

قیمت ۱۱۰۰۰۰ ریال



nazar.roshdmag.ir



برگه‌ی اشتراک مجله

بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجه

مدیر مسئول: محمد صالح مذنبی

سر‌دبیر: مهدی رضایی

شورای برنامه‌ریزی: دکتر فاطمه وجدانی، دکتر معصومه فرحوش،

مریم پراکنده، امیر ذوقی، محمد سبحانی

مدیر داخلی: مریم شهرآبادی

ویراستار: زهرا نظام‌الدینی

مدیر هنری: کوروش پارسائزاد

طراح گرافیک: وحیدحقی

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

تصویرگر: معین صدقی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸ - ۲۱

۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۲۱ (داخلی ۵۱۱)

نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

وبگاه: www.roshdmag.ir

پیام‌رسان شاد: @roshdmag

رایانامه: ebtedayi@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۲۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۶۷۳۰۸ - ۲۱

ماهانامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی

برای آموزگاران، دانشجویان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش

دوره‌ی بیست‌وهفتم | دی‌ماه ۱۴۰۲ | شماره‌ی بی‌دری ۲۱۷ | ۴۸ صفحه

www.roshdmag.ir

فهرست

۲ پرواز چندساحتی | مهدی رضایی

۳ دخترگی آن سوی پنجره | الهام رخشنده‌دوست

آموزش

۴ تقویم | فاطمه نوروزی

۶ معرف فی قالب ذخیره‌ی تصویر | ژارمن یولیدسن‌نسان

۸ خیر گزینی با قرآن | مریم خدادادی، زینب قلی‌نژاد

۱۰ معلمی که شیفته‌ی شغلیش بود | مریم شهرآبادی

۱۲ مکتب کلمات | زهرا لاموتی‌فرد

۱۴ سه قانون طلایی پرستگری | دکتر عنذرابیگم هژبری، سیدعلی عبداللهی حسینی

۱۶ دوی امدادی | اعظم لاریجانی

۱۹ یک شب و شش ساحت | فاطمه شیخ‌محسنی، مجتبی محرابی، سمانه ظهیری

۲۲ هفت کلید تمرکز | معصومه مسلمی

۲۴ ایستگاه صلواتی | محمد سبحانی

۲۸ پله‌ی اول | حانیه بیابانی

در کلاس

۳۰ امتداد قصه‌ی آب و آینه | دکتر سارا سلیمی نمین، دکتر آمنه سلیمی نمین

۳۲ نمایش در کلاس | مه‌ری نظریان

۳۴ باغ دانایی | زهره حمیدی

۳۶ ماهی پولک کاغذی | فاطمه قاسمی، مهوش افروغ

۳۸ نشریه‌ی خاک | فاطمه عزیزی

۴۰ و اما معلمی | فازه تاجیک‌راد

تجربه

۴۲ مأموریت | مریم رسولی

۴۴ همواره با رشد | محمدرضا رشیدی

۴۶ بازی تدریسی | محسن عاشوری



استان‌های مشارکت‌کننده در این شماره



نشانی‌کاتال رشد آموزش ابتدایی

در پیام‌رسان شاد

@roshd_amoomezsh_ebtedaei



قابل توجه نویسندگان و مترجمان، مقالهای که برای درج در مجله می‌فرستید: با اهداف و رویکردهای آموزشی-تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشد. قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. در حد ۱۰۰۰ کلمه و خلاصه‌ی علمی-آموزشی باشد. روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد. چکیده‌داشته باشد یا هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عنوان و آثار وی پیوست شود. اگر ترجمه است، متن اصلی نیز همراه آن باشد. ذکر این نکته ضروری است. مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌ی رسیده مختار است. آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

پرواز چندساحتی



مهدی رضایی

به نام آنک جان را نور دین داد
خرد را در خدا دانی یقین داد
فلک اندر رکوع استاده‌ی اوست
زمین اندر سجود افتاده‌ی اوست
خداوندی که او داند که چونست
که او از هرچ من دایم برونست
عطار



سال ۸۱ بود. در کلاس پنجم ابتدایی آموزگاری داشتیم در نهایت لطف، ادب و توانمندی. خدا همه‌ی معلمان در گذشته را مورد رحمت خود قرار دهد، به خصوص سیدحامد موسوی عزیز را که برای ما بچه‌های کلاس پنجم مدرسه‌ی شهید محمد منتظری منطقه‌ی ۶ تهران «آقاموسوی» بودند و ماندند. آقاموسوی، در هنگام تدریس، توجه زیادی به درک مفاهیم داشتند و همیشه مفاهیم را با توضیح و مثال و... مطرح می‌کردند. اما علاوه بر آن، توجه به «تربیت» در کنار آموزش ویژگی شاخص ایشان بود و چه بسا موضوعاتی را از ایشان آموخته‌ام که جایی در درس‌ها و کتاب‌های مدرسه نداشتند. وقتی از دو بال یک پرنده حرف می‌زنیم، به‌وضوح متوجه هستیم که یک بال بدون دیگری کاری از پیش نمی‌برد. ساحت‌های گوناگون تربیتی نیز این‌گونه‌اند و به همین نسبت با هم و در کنار هم اهمیت پیدا می‌کنند، ولی چه کنیم که مشکلات و محدودیت‌ها گاهی گریبان بعضی از ساحت‌ها را می‌گیرند و کار را ناتمام می‌گذارند. موضوع اصلی این شماره‌ی رشد آموزش ابتدایی طرح این سؤال است که «چطور باید تربیت را همه‌ساحتی دید؟». البته شاید در لابه‌لای صفحات هیچ کتاب و مجله‌ای نتوانیم جواب مستقیمی برای این موضوع پیدا کنیم، ولی آشناسدن با تلاش‌های همکاران دیگر برای گنجاندن درس‌های زندگی‌ساز، در دل برنامه‌ی درسی مدرسه، شاید برای ما که دنبال یادگیری جمعی هستیم، نقطه‌نظر جدیدی داشته باشد. استفاده از فرصت‌هایی که طبیعت در اختیار ما گذاشته است و رویدادهایی که در تقویم ثبت شده‌اند، بهانه‌هایی هستند برای یادآوری موضوعاتی مثل کاربست فناوری در انتقال مفاهیم، استفاده از تجربه‌ی مشارکت اولیا و دانش‌آموزان در برنامه‌های درسی، بهره‌برداری از ظرفیت به فراموشی سپرده‌شده‌ی اردو و بهره‌گیری از فرصت بازی و یادگیری. مثال‌هایی این چنین حتماً در برنامه‌ی همکاران محترم وجود دارند؛ ولی از باب بیان اهمیت، در این شماره ما هم با اشاره به مصداق‌هایی از برنامه‌های اجرایی در کلاس، برای تربیت چندساحتی، به این موضوع پرداخته‌ایم. چشم بر هم زدیم و سال به نیمه رسید. بازخوردها و مطالب ارسالی شما همکاران محترم به دفتر مجله رسیده است و ما همچنان آماده‌ی دریافت نظرات و مطالب شما هستیم. رشد آموزش ابتدایی حاصل تلاش جمعی از آموزگاران سراسر کشور است که دل در گرو تربیت فرزندان این سرزمین دارند و تلاش می‌کنند آموخته‌های خود را با دیگران به اشتراک بگذارند. اگر شما هم علاقه‌مندید به این مجموعه بپیوندید، راه‌های ارتباطی با دفتر نشریه در خدمت شماست و ما منتظریم.



دخترکی آن سوی پنجره

الهام رخشنده دوست

کارشناس معرفی منابع آموزشی و تربیتی

کاش در مدرسه‌ای درس می‌خواندم که حق انتخاب داشتم و روزم را با درسی شروع می‌کردم که دوست داشتم.

کاش در مدرسه‌ای درس می‌خواندم که مسئولان آن حال مرا درک می‌کردند و فقط درس و نمره برایشان ملاک نبود.

کاش در مدرسه‌ای درس می‌خواندم که در آن، اول مهارت‌های زندگی و بعد از آن معلومات دانشی اولویت داشتند.

کاش در مدرسه‌ای درس می‌خواندم که مرا با نمراتم نمی‌سنجیدند.

شاید هر کدام از ما، طی دوران تحصیل یا بعد از آن، یکی از این «ای کاش‌ها» را در ذهن خود گذرانده یا آرزوی چنین مدرسه‌ای را کرده باشیم. اگر شما هم چنین آرزویی را داشتید، کتاب توتوچان دخترکی آن سوی

پنجره' را بخوانید، در این کتاب، مدرسه‌ای رؤیایی کودکی‌مان به تصویر کشیده شده است. توتوچان دختر بازیگوش و سرزنده‌ای است که به دلیل شیطنت‌هایش برچسب دانش‌آموز بد به او خورده و از مدرسه اخراج شده است. او بعد از آن، وارد مدرسه‌ای جدید می‌شود.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

«آنچه مدیر مدرسه دوست داشت توتوچان درک کند، شبیه این بود: ممکن است بعضی از مردم فکر کنند تو از برخی جنبه‌ها دختر خوبی نیستی؛ اما شخصیت واقعی تو بد نیست، شخصیت تو خیلی خوب است و من از آن آگاهم... مدیر توانسته بود اعتماد به نفس دختر خوب بودن را در وجود توتوچان القا کند. حتی وقتی که توتوچان برای انجام دادن کار نادرستی با خودش دست به گریبان بود، کلمات مدیر در گوشش زنگ می‌زد... آقای کوبایاشی در همه‌ی مدتی

که توتوچان به مدرسه‌ی توموئه می‌رفت به گفتن این حرف ادامه می‌داد و می‌گفت: می‌دانی توتوچان جان تو واقعا دختر خوبی هستی.»

ماجراهای توتوچان به ما می‌آموزد که به جای تحقیر دانش‌آموزان ضعیف، باید روی نقاط قوت آن‌ها تمرکز کنیم. چه بسا برخی از تهدیدها به فرصت تبدیل شود و استعدادهای دانش‌آموز به‌خوبی بروز و ظهور کنند. در قسمت دیگری از این کتاب می‌خوانیم:

«تاکاهاشی که کوتاه‌ترین دست و پا را بین همه‌ی دانش‌آموزان داشت، در همه‌ی رشته‌های ورزشی نفر اول شد. باور نکردنی بود! ... در حالی که دیگران تازه سر خود را از لای پله‌های نردبان رد کرده بودند، او از آن خارج شده و چند متر دورتر در حال دویدن بود.»

در آخر، توتوچان به ما می‌گوید مدرسه فقط محلی برای یادگیری نیست، بلکه با رویدادن اتفاقات تازه جایی برای لذت بردن هم است:

«توتوچان، در مدرسه‌ی توموئه گاکوئن هر روز با پدیده‌ی غیرمنتظره‌ای روبه‌رو می‌شد. آن قدر وقتی به خانه برمی‌گشت، یک ریز حرف می‌زد و آنچه را در مدرسه دیده بود، برای مادر و پدر تعریف می‌کرد که سرانجام مادرش می‌گفت: دیگر حرف زدن بس است عزیزم. حالا ساکت باش و عصرانه‌ات را بخور. حتی هنگامی که توتوچان در مدرسه‌ی جدید جا افتاده و به آن عادت کرده بود، باز هم هر روز هزاران موضوع جدید برای صحبت کردن درباره‌ی مدرسه داشت.»

این کتاب به چه کسانی کمک می‌کند؟

این کتاب برای تمام افرادی که با موضوع تعلیم و تربیت در ارتباط هستند مفید است و مخاطبان آن می‌توانند معلمان، معاونان، مدیران، والدین و همه‌ی کسانی باشند که به دنبال ایده‌های جذاب و ناب برای تعلیم و تربیت می‌گردند. از طرفی این کتاب روح امید را در جریان آموزش و پرورش زنده و انگیزه‌ی ادامه‌ی این راه پرپیچ‌وخم را چندین برابر می‌کند و چون ماجرای واقعی را روایت می‌کند، نشان می‌دهد آنچه در این داستان آمده است، شدنی است. به امید آن روز که تمام کودکان سرزمین، با رفتار درست اولیای مدرسه، استعدادهای خود را کشف کنند و برای ایران عزیز افتخار آفرین باشند.

یا فاطمه

❁ دی: ماه تربیت و بصیرت

بهانه خلقت، یک «زن» است!

به بهانه ولادت حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) و روز زن و مادر (۱۳ دی ماه)، کلام را با یک حدیث قدسی آغاز می‌کنیم: یا اَحْمَدُ! لَوْلَا لَمَّا خَلَقْتُ الْاَفْلاکَ، وَ لَوْلَا عَلٰی لَمَّا خَلَقْتُکَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَّا خَلَقْتُکُمَا: ای احمد! اگر تو نبود، افلاک را خلق نمی‌کردم و اگر علی نبود تو را خلق نمی‌کردم و اگر فاطمه نبود، شما دو نفر را خلق نمی‌کردم (انصاری زنجانی ۱۴۲۸ ق، ج ۲۰: ۵۱۶).

«زن» نه تنها محور و کانون خانواده، بلکه محور و کانون خلقت است. اگر زن نباشد، خانواده شکل نمی‌گیرد و معنا نمی‌یابد. همه ما وجود خود را مدیون مادرانی هستیم که از ابتدای خلقت ما پذیرایمان شده و در آغوش گرم و پرمهر خود پرورشمان داده‌اند؛ حقیقتی انکارناپذیر که همواره ما را ملزم می‌کند در برابر ساحت دوست‌داشتنی‌ترین مخلوق خدا بر زانوی ادب بنشینیم و از او درس عشق بیاموزیم.

در کنار این حقیقت گوارا، حقیقتی تلخ وجود دارد و آن این است که از مقام زن و مادر کمتر سخن گفته‌ایم. نگاه دین مبین اسلام به این مخلوق ظریف اما محکم را تبیین نکرده‌ایم! در حالی که غرب وحشی، نه تنها در خشونت علیه زنان پیشتاز بوده، بلکه با کالایی دیدن این مخلوق ارزشمند، زمینه‌ساز نوع دیگری از ظلم به زنان نیز شده است. تا جایی که زن را به مثابه کالا در اختیار مردان قرار داده یا مردواره‌شدن او و فاصله گرفتنش از فطرت زنانه را تحسین و تمجید کرده است. در مقابل، اسلام زن را در جایگاه مربی جامعه می‌بیند و او را برای مسئولیت خطیر جامعه‌سازی می‌خواهد.

❁ مادر و معلم: دو پرورش‌دهنده، دو مربی!

همان‌گونه که مادر، فرزندان خود را در دامان پرمهرش پرورش می‌دهد، از آسایش و آرامش تن و روح خویش می‌گذرد تا فرزندانش بالنده شوند و در جامعه اثرگذار باشند، معلم نیز با از خودگذشتگی همیشگی، روح دانش‌آموزانش را با محبت و معرفت می‌پروراند و آنان را برای جامعه‌سازی آماده می‌کند. مادر و معلم هر دو حق حیات بر انسان دارند. مادر حق حیات جسمانی و روحانی، و معلم حق حیات فکری و اندیشه‌ای. در برابر این حق، فرزند بر مادر، و مربی بر مربی، حقوقی دارند. از جمله حقوق فرزند بر مادر این است که بداند، در این دنیا خیر و شرش وابسته به اوست و اوست که در زمینه حسن تربیت و راهنمایی فرزند به سوی خداوند عهده‌دار مسئولیت است.

و از جمله حقوق شاگرد بر استاد و مربی این است که بداند، خدا به وسیله علم و خزانه حکمتی که به معلم سپرده است، او را سرپرست شاگردان ساخته و اگر در این سرپرستی صابر و خداخواه باشد، با ایمان است. اگر نه، خائن به خدا و ظالم به خلقش شده است.

حال اگر برسید: معلم چگونه می‌تواند در این مسیر پرفراز و نشیب قدم بردارد و با کمترین خطا بر موانع غلبه کند، بیشترین موفقیت را به دست آورد و حق شاگرد را ادا کند، پاسخ می‌دهم: ابتدا از بهانه خلقت مدد بگیرد که آغوش پرمهر مادرانه‌اش همواره به روی فرزندانش گشوده است. سپس خود را به مبانی تربیتی مجهز کند تا مربیانش، رغبت به سوی



آیندگان

دی ماه
دوره بیست و هفتم
شماره ۴ | ۱۴۰۲

۴



بصیرت



زنان در انقلاب اسلامی

مکتب امام خمینی



پیشرفت انسانی و معنوی را طلب کنند و با قوت به سوی قله امید و پیشرفت قدم بردارند.

مکتب انسان ساز اسلام!

سیره مکتب تربیتی اسلام، مانند سایر ادیان الهی، بر پایه رشد و تربیت انسان‌ها هویت یافته است و با تبیین حق و باطل، انسان‌ها را از ورطه گمراهی و هلاکت به وادی سعادت و اتصال به حق تعالی رهنمون می‌شود.

در این مکتب، بانوی شاخصی که حجت است بر حجت‌های خدا، متولد می‌شود و به دختران و زنان هویت انسان‌سازی می‌دهد و به همه انسان‌های آزاده در همه زمان‌ها می‌فهماند که «می‌توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود، و در عین حال در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز سنگر سازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد» (رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱).

آری! مسیر ترسیم‌شده در این مکتب، بر محور رشد انسان‌ها و افزایش بصیرت آنان شکل گرفته است که می‌تواند با رساندن علم و آگاهی به انسان‌ها، آنان را از زیست حیوانی و دل‌بستگی به مادیات، به مقام خلیفه‌اللهی برساند. در این مکتب **باقرالعلوم** (علیه‌السلام) متولد می‌شود که با تربیت شاگردان، جهاد علمی را در پیش می‌گیرد. همچنین، **هادی الأئمه** (علیه‌السلام) زیست می‌کند که به دلیل نگاه هدایتگرش به قلب‌های بیمار و دل‌های

آلوده به غفلت‌ها، مورد ظلم مستکبران زمان خود قرار می‌گیرد و به شهادت می‌رسد.

مکتب سلیمانی، مکتب مقاومت!

شهید حاج قاسم سلیمانی در مکتب اسلام ناب رشد یافته و تربیت شده بود و انسان‌های زیادی را تربیت کرده بود. از این رو، در بیان رهبر معظم انقلاب اسلامی، از راه و روش تربیتی او با عنوان مکتب سلیمانی یاد می‌شود. سردار دل‌ها، مقاومت در برابر کافران و مستکبران هر زمانه‌ای را از اسلام آموخته بود؛ دینی که شهید **نواب صفوی** را در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تربیت کرده بود تا با زندگی و شهادت خود، فطرت‌های خفته بسیاری را بیدار و آن‌ها را برای کنشگری انقلابی در عرصه اجتماعی تربیت کند.

مسئولیت معلم در تربیت انقلابی!

ما به‌عنوان آموزگاران و مربیان فرزندانمان که آینده‌سازان میهن اسلامی‌مان هستیم، وظیفه داریم آنان را با مکتب تربیتی اسلام آشنا کنیم و تحصیل علم را در کنار کسب معرفت و بصیرت، به‌عنوان بخشی از سیر تکاملی آنان، ببینیم. دستشان را در دست بگیریم و به آن‌ها بیاموزیم، فراتر از اشک و آه در فقدان سردار بزرگ اسلام، با مکتب تربیتی او آشنا شوند تا در حوادثی همچون ۹ دی (روز بصیرت) بتوانند حق و باطل را از هم تمییز دهند و در مسیر حق ثابت‌قدم بمانند.

منابع
۱. انصاری زنجانی، اسماعیل، (۱۴۲۸ق). الموسوعه الکبری عن فاطمه الزهراء، ج ۲۰، قم: دلیل ما.
۲. مجلسی: محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۰، باب ۹۱، رساله حقوق امام سجاد (علیه‌السلام).
۳. رهبر معظم انقلاب اسلامی (۱۳۹۱). کنگره هفت هزار زن شهید کشور. صفحه رسمی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌العظمای خامنه‌ای (وبگاه khamenei.ir). بیانات رهبر انقلاب اسلامی در خصوص شهادت حاج قاسم سلیمانی.

آیندگی

دی ماه
دوره بیست و هفتم
شماره ۴ | ۱۴۰۲



حاج قاسم



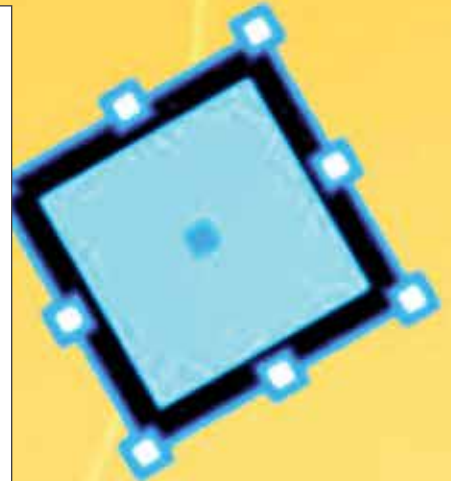
آموزش نصب
نرم‌افزار ایلوستریتور



Ps

Ai → Ai

معرفی قالب ذخیره‌ی تصویر



ژارمن یولید سن ونسان
مدیر دبیرستان و هنرستان ماری
مانوکیان منطقه ۶ تهران



اطلاع‌نگاشت‌ها (اینفوگرافیک‌ها)، کارت ویزیت‌ها، دفترک‌ها (بروشور)، صورت‌غذای (منو) رستوران‌ها، کالانماها (کاتالوگ‌ها) و... عصای دست طراحان است. فایل برداری فایلی لایه‌باز است؛ یعنی می‌توانیم به راحتی هر ایده‌ای را که داشته باشیم، طراحی کنیم. از این نوع فایل‌ها به خوبی می‌توان در صنعت چاپ استفاده کرد.

تصویرهای برداری می‌توانند موجب سادگی و سرعت در انجام پروژه‌های طراحی شوند. با استفاده از این تصویرها، طراحان در زمان خود و در نتیجه هزینه‌ها صرفه‌جویی می‌کنند و در عین حال، نتایجی با کیفیت بالا به دست می‌آورند.

معرفی نرم‌افزارهایی که

از فایل‌های برداری پشتیبانی می‌کنند

در بین نرم‌افزارهای گرافیکی محبوب، قدرتمندترین نرم‌افزارهای ساخت تصویر برداری «ادوبی ایلوستریتور»^۱ «کوکورل دراو»^۲ و «فتوشاپ»^۳ هستند. با این نرم‌افزارها شما می‌توانید بدون پایین آمدن کیفیت، هرگونه تغییری در فایل بدهید.

وضوح تصویر (رزولوشن): پیکسل کوچک‌ترین جزء تفکیک‌پذیر یک تصویر است که به صورت نقطه‌چین‌های افقی و عمودی دیده می‌شود. میزان وضوح یک تصویر را ضرب تعداد پیکسل موجود، در یک ستون، در تعداد شکل موجود در یک سطح نشان می‌دهد. از پرکاربردترین قالب‌های رستر می‌توان به این قالب‌ها اشاره کرد:

JPEG-PNG-BMP-GIF-PSD-TIFF.

۲. تصویرهای تصاویر برداری (وکتور):

تصویرهای برداری از رایج‌ترین قالب‌های تصویری هستند که بر اساس معادلات ریاضی ساخته می‌شوند و در قالب مجموعه‌ای از مشخصات هندسی مانند نقاط، خطوط، منحنی‌ها، دایره‌ها و چندضلعی‌ها ذخیره می‌شوند.

این گونه فایل‌ها حجم کمی دارند و از آنجایی که تصویرهای برداری بر اساس الگوریتم‌ها تعریف می‌شوند و نه با تعداد مشخصی از پیکسل‌ها، بنابراین می‌توان به مقدار بی‌نهایت، اندازه‌ی این تصاویر را بدون از دست دادن کیفیت تغییر داد. یکی از شناخته‌شده‌ترین قالب‌های ذخیره‌ی فایل‌های برداری قالب SVG است.

کاربرد تصویرهای برداری

این نوع تصویر در طراحی انواع برنوشته‌های (بنرهای) تبلیغاتی،

اگر تا به حال طراحی گرافیکی انجام داده‌اید، احتمالاً با اصطلاح گرافیک برداری مواجه شده‌اید. در طراحی گرافیکی گاهی در تولید و ذخیره‌ی فایل‌ها با مشکلاتی روبه‌رو می‌شویم؛ مثلاً ممکن است هنگام بزرگ‌نمایی تصویرها متوجه شویم که برخی از تصویرها تار می‌شوند؛ اما کیفیت برخی دیگر از تصاویر افت نمی‌کند. چرا چنین اتفاقی می‌افتد و چه تفاوتی بین قالب‌های (فرمت‌های) ذخیره‌ی تصویر وجود دارد؟

در این مقاله با قالب (فرمت) تصویرها بیشتر آشنا می‌شویم. چند نرم‌افزار طراحی را نیز معرفی می‌کنیم و تفاوت آن‌ها را با سایر قالب‌ها مقایسه خواهیم کرد.

به‌طور کلی تصویرها به دو صورت تقسیم‌بندی می‌شوند:

۱. تصویرهای شطرنجی (رستر):

این تصویرها از مجموعه‌ی شبکه‌هایی از نقاط ریز مربعی شکل به نام پیکسل تشکیل شده‌اند. هر پیکسل حاوی یک رنگ است که برای تشکیل تصویر با پیکسل‌های دیگر ردیف می‌شوند. هر چه وضوح تصویر (رزولوشن) بالاتر باشد، جزئیات بیشتری را می‌توان در آن مشاهده کرد. در این قالب، تصویرها با بزرگ‌نمایی، به صورت مجموعه‌ای از نقاط دیده می‌شوند.

پی‌نوشت‌ها

1. adobe illustrator
2. Coreldraw
3. photoshop
4. login

خیرگزینی با قرآن

رشد در دوره‌ی دوم ابتدایی

مریم خدادادی

مسئول کارگروه دبستان مدرسه‌ی دانشجویی

قرآن و عترت (ع) دانشگاه تهران

زینب قلی‌نژاد

عضو کارگروه دبستان مدرسه‌ی دانشجویی

قرآن و عترت (ع)

در شماره‌های قبل با اقتضانات هر دوره‌ی رشدی و آموزش قرآن در هر دوره آشنا شدیم. دانستیم «هرگونه برنامه‌ریزی برای هر دوره از دوره‌های رشد باید بر اساس ظرفیت و توان آن دوره باشد» (اخوت، ۱۳۹۴: ۳۵). اما چرا؟ توجه به این موضوع چه اهمیتی دارد؟ «بدیهی است در نظر نداشتن ظرفیت‌ها، در هر دوره‌ی رشد، موجب انجام ندادن کارهای ضروری و

انجام دادن کارهای غیرضروری و گاه مضر می‌شود. همچنین در هر دوره از زندگی انسان توان‌هایی شکوفا می‌شوند که اگر این قابلیت‌ها شکوفا نشود، رشد فرد در دوره‌های بعد دچار اختلال می‌شود» (همان، ۳۵). اما این توان‌ها و قابلیت‌ها چه هستند؟ کودکان در دوره‌ی سنی دبستان چه ویژگی‌هایی دارند و به کجا باید برسند؟ آیا برای شکوفایی فرزندان دبستانی‌مان، به اندازه‌ی کافی با اهداف اصلی دوره‌ی دوم رشد آشنا هستیم؟

دوره‌ی دوم رشد تقریباً هم‌زمان با دوره‌ی ابتدایی است. در این دوره بچه‌ها طفولیت خود را پشت سر می‌گذارند و در فرایند آغازین بلوغ عقلی قرار می‌گیرند و کم‌کم از وابستگی به استقلال سوق پیدا می‌کنند.

این فرایند با سیری تدریجی اتفاق می‌افتد و هر سال ویژگی مشخصی به کودک اضافه می‌شود. این دوره غایت دوره‌ی قبل و مقدمه‌ی دوره‌ی بعدی است. یعنی در دوره‌ی اول رشد، لازم است طفل به دریافت طبیعت مادی و معنوی انس گرفته و رزق طیب را در قالب عواطف پدر و مادر و کلام و کلمات طیب از جانب آن‌ها دریافت کرده باشد (اخوت، ۱۳۹۷، فصل سوم) تا بدون دغدغه و خاطری آسوده و حالتی شاد و بانشاط وارد دوره‌ی دوم رشد خود شود (اخوت، ۱۳۹۹، ۶۳). بنابراین علاوه بر نشاط و شادی و پاکی فطری‌ای که دوره‌ی دوم با آن آغاز می‌شود، لازم است در این دوره، کودک به سمت‌وسوی «انتخاب» سوق یابد. بنا بر نظر عرف، اختیار به معنای قدرت انجام دادن یا ندادن کاری است. در صورتی که در فرهنگ قرآن عمدتاً به معنای «پذیرش خیر» است. در این صورت فرد باید کاری کند که به جز خیر، گزینه‌ی دیگری را نپذیرد و تنها خیر را انتخاب کند (همان، ۶۴).

«خیرگزینی» به معنی دیدن حالت‌ها و گزینه‌های گوناگون در هر موضوع، انتخاب بهترین و سودمندترین گزینه بر اساس معیار درست و حرکت به سمت گزینه‌ی انتخاب‌شده تا رسیدن به منافع آن است. آنچه به فرد معیار درست می‌دهد، قرآن است؛ یعنی آنچه درست‌ترین معیارها را در ذهن شکل می‌دهد، مفاهیم قرآنی است. بنابراین یادگیری قرآن در این سن با هدف ایجاد معیارهای حق در ذهن کودک انجام می‌گیرد. در شماره‌ی قبل به این موضوع پرداخته شد که مواجهه با قرآن در این دوره باید به صورت انس با سوره همراه با انتقال پیام باشد تا بیشترین رشد را ایجاد کند. این پیام‌ها همان حقایق و معیارهای حقی هستند که به مرور سبب



فَلَا تَبْتَئُوا مِنَ الْفُتُورِ الْمَرْغَبِ قَلْبًا قَلْبًا

کارهای خوب است. به این معنا که در این سن، دانش‌آموزان قدرت تشکیل جمع برای به نتیجه‌رساندن یک کار خوب و مفید را پیدا کنند (همان).

اهداف پایه‌ها

بر اساس توضیحات مذکور، برای هر کدام از پایه‌های تحصیلی مقطع ابتدایی یک هدف تربیتی در نظر گرفته شده است. تحقق این اهداف به تدریج و در طول شش سال، دانش‌آموز دبستانی را تا سطح خیرگزینی ارتقا می‌دهد.

پایه اول: تحرک و نشاط همراه با جهت‌گیری ابرازها.

پایه دوم: دیدن تنوع و درک تمایز خوب و بد.

پایه سوم: درک قوانین و انجام کارهای خوب ساده.

پایه چهارم: توان برنامه‌ریزی و انجام کارهای خوب جدی‌تر.

پایه پنجم: دقت برای عمل و تمایل به کارهای خوب بیشتر.

پایه ششم: توان انجام و گسترش کارهای خوب.

که آن درخت به محیط می‌بخشد، جریان رشد آن را از زمانی که یک دانه و نهال بوده و حتی باغبانی را که آن را کاشته و از آن نگهداری کرده است، نیز ببینند. در فضای دیدن تنوع‌ها باید توجه آن‌ها به سوی تمایزها معطوف شود و به تدریج به تمایز زیاد و کم، مطلوب و نامطلوب، مهم و بی‌اهمیت و به‌طور کلی خوب و بد درک پیدا کنند (همان).

در **پایه سوم** لازم است دانش‌آموزان به تدریج با معیار، باید و نباید و قانون آشنا شوند و علاوه بر درک تمایز خوب و بد و شناخت کار خوب، توان انجام کارهای خوب کوچک و ساده را نیز داشته باشند. در پایان این سال بچه‌ها باید بتوانند با درک رابطه‌ی پدیده‌ها و رخدادها^۱ و نیز رابطه‌ی انجام یک کار و قانون مربوط به آن، پدیده‌ها و رخدادها را تحلیل کنند؛ مثلاً وقتی یک داستان برای آن‌ها تعریف می‌کنیم، باید بتوانند رفتار شخصیت‌های داستان را تحلیل کنند و درباره‌ی بهترین رفتار ممکن نظر بدهند (همان).

در **پایه چهارم** درک دانش‌آموزان از رابطه‌ی کار و قانون، باید تا حدی ارتقا پیدا کند که آن‌ها بتوانند برای انجام کارهای جدی‌تر و دشوارتر برنامه‌ریزی کنند (همان).

در **پایه پنجم** باید با افزایش دقت در انجام کارها، میل و رغبت دانش‌آموزان به انجام کارهای خوب و درست بیشتر شود؛ این افزایش رغبت با قرار گرفتن در جمع‌های خوب دوستانه و همچنین با توجه به نتایج کارها در بچه‌ها ایجاد می‌شود (همان).

در **پایه ششم** باید دانش‌آموزان خیرگزین شوند؛ یعنی در حد سن خود منافع حقیقی را بشناسند، کار درست را تشخیص بدهند و آن را به انجام برسانند. تمرکز در این سال روی توان عملیاتی و فعالیت‌های گروهی بچه‌ها در گسترش

خیرگزین شدن کودک می‌شوند (دژبخش و خدادادی، ۱۴۰۲: مقدمه). بنابراین آموزش قرآن در دوره‌ی ابتدایی «فهم قرآن» با هدف «خیرگزینی» است.

به این ترتیب شناخت بایدها و نبایدها، شناسایی و انتخاب آنچه بهتر و درست‌تر است و دوری از انتخاب‌های نادرست، همه به تشخیص و انتخاب خیر بستگی دارد. محقق شدن این هدف به‌صورت تدریجی و مرحله‌ای امکان‌پذیر است؛ لذا سایر اهداف، در خدمت فعال‌سازی خیرگزینی خواهند بود. در هر سال از سال‌های دبستان روی فعال‌سازی یک مرحله تمرکز می‌شود. در فناوری آموزشی هم بحث یکتابودن هدف آموزشی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا در غیر این صورت، با داشتن هدف‌های آموزشی متعدد، نه تنها دانش‌آموز بلکه مربی نیز سردرگم می‌شود. البته در عین یکتابودن هدف آموزشی، شیوه‌های آموزشی می‌توانند متعدد باشند.

در **پایه اول** که دانش‌آموزان تازه وارد دوره‌ی ابتدایی شده‌اند و جنب‌وجوش زیادی دارند، تمرکز روی مدیریت ابرازهای آن‌هاست؛ یعنی لازم است دانش‌آموزان با پدیده‌ها و رخدادهای گوناگون مواجه شوند و بروازات آن‌ها جهت‌دهی شده، تبدیل به عکس‌العمل‌های آگاهانه در برابر آن پدیده‌ها و رخدادها شود. به این ترتیب جنب‌وجوش بچه‌ها به سطح تحرک و نشاط ناشی از بی‌تفاوت‌نبودن به محیط اطراف ارتقا پیدا می‌کند (همان).

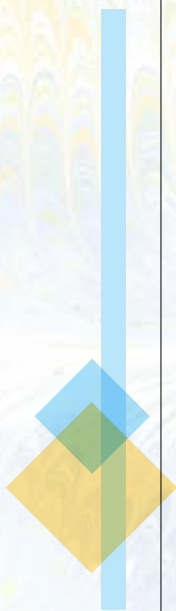
در **پایه دوم** ضمن حفظ این تحرک و نشاط، لازم است دانش‌آموزان با مفهوم تنوع و گوناگونی مواجه شوند و در مواجهه با هر پدیده و رخداد، جنبه‌های متعدد آن را ببینند؛ مثلاً در مواجهه با یک درخت بچه‌ها باید علاوه بر اجزای آن مانند برگ و شاخه و تنه و ریشه، سایه و طراوتی را

پی‌نوشت

۱. منظور از «پدیده» آفریده‌های خداوند است که انسان نقش مستقیم در ایجاد آن‌ها ندارد؛ اما از آن‌ها بهره‌مند می‌شود و تأثیر می‌پذیرد؛ مانند آسمان، کوه، زلزله، حیوانات و... منظور از «رخداد» نیز حوادثی است که با اراده‌ی انسان و در نتیجه رفتار انسان‌ها رخ می‌دهد.

منابع

۱. اخوت، احمدرضا، ۱۳۹۹، فهم قرآن در دبستان و دبیرستان، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (ع)، چاپ دوم.
۲. _____، ۱۳۹۷، سند تعلیم و تزکیه، نشر قرآن و اهل بیت نبوت (ع)، چاپ اول.
۳. اخوت، احمدرضا؛ ادیب، مریم؛ فیاض، فاطمه، ۱۳۹۴، مهارت‌های خیرگزینی، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (ع)، چاپ اول.
۴. دژبخش، رضا و خدادادی، مریم، ۱۴۰۲، فهم قرآن؛ پایه‌ی اول دبستان، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (ع)، چاپ اول.



آموزشی
ابتدایی

دی‌ماه

دوره‌ی بیست و هفتم
شماره‌ی ۱۴۰۲۴

معلمی که

شیفته‌ی شغلش است!



مریم شهرآبادی

کارشناس آموزش ابتدایی

شهرستان خوی یکی از شهرهای استان آذربایجان غربی است که آثار باستانی و تاریخی زیادی دارد. بیشتر مردم خوی به زبان ترکی، و گروهی از آن‌ها که ساکن بخش «قطور» هستند به زبان کردی کرمانجی صحبت می‌کنند. گذرگاه «رازی» در بخش «قطور» یکی از راه‌های مرزی کشورمان به ترکیه است که در مسیر جاده‌ی ابریشم قرار دارد. در این خطه از میهن عزیزمان با آموزگاری آشنا شدیم که شروع تدریسش در همین منطقه‌ی مرزی، در بخش «قطور»، با دانش‌آموزان دوزبانه بوده است. وی در جشنواره‌های متعددی شرکت و رتبه‌ها و مقام‌های زیادی نیز کسب کرده است، از جمله مقام برتر کشوری در زمینه‌ی درس پژوهی و اقدام پژوهی، مقام اول در جشنواره‌ی تدریس ریاضی، مقام اول و دوم در جشنواره‌های الگوهای برتر تدریس در سطح منطقه و استان و رتبه‌ی اول کشوری در بخش تدریس موفق در جشنواره‌ی الفاتا. عنوان معلم نمونه‌ی منطقه از دیگر افتخارات اوست. این معلم موفق که عضو و مدرس دبیرخانه‌ی استانی درس پژوهی در مناطق نقده، چالدران و خوی است، طبع شعری نیز دارد و تاکنون چند قطعه از شعرهای طنز وی چاپ شده است.

خانم سمیه رحیملو، متولد ۱۳۶۱، مدرک کارشناسی فقه و مبانی حقوق دارد. چهارده سال سابقه‌ی خدمت در آموزش و پرورش، سابقه‌ی تدریس در نهضت سوادآموزی در بخش‌های حاشیه‌نشین و روستاهای دورافتاده برای بانوان و افرادی که شرایط شرکت در کلاس‌های درس حضوری را نداشتند و همچنین مربیگری در پیش‌دبستانی سوابقی‌اند که در کارنامه‌ی کاری وی ثبت شده است. وقتی از او در مورد ارتباط رشته‌ی تحصیلی‌اش و شغل آموزگاری سؤال کردم، این‌طور پاسخ داد: «من به رشته‌ی تحصیلی‌ام علاقه‌ی زیادی دارم، اما در خانواده‌ای فرهنگی بزرگ شده‌ام و دست‌بوس پدر و مادرم هستم که هر دو از استادان عشق و معرفت‌اند، آن‌ها از کودکی دیدگاه مثبتی به



شغل معلمی در من ایجاد کرده‌اند. از طرفی عاشق بچه‌ها و معصومیت پاکشان هستم. کار با بچه‌ها و انرژی مثبتی که از آن‌ها می‌گیرم، مرا شیفته‌ی شغلم کرده است.» جزئیات این گفت‌وگو را از زبان ایشان می‌شنویم:

■ آغاز آموزگاری شما در مدرسه‌ای دوزبانه بوده است، از مشکلات تدریس به دانش‌آموزان دوزبانه بر ایمان بگوئید.

یکی از مشکلات مهم تدریس برای دانش‌آموزان دوزبانه، به‌خصوص در پایه‌های اول و دوم ابتدایی، این است که گاهی چند ماه طول می‌کشد تا آن‌ها به زبان فارسی مسلط شوند. این مسئله مشکلاتی را برای آموزگار و دانش‌آموز ایجاد می‌کند و به توجه و حوصله هم از طرف آموزگار و هم خانواده‌ی دانش‌آموز نیاز دارد.

■ چطور با مدرسه‌ی ابتدایی شاهد «حاج اسماعیلو» آشنا شدید و چه پایه‌ای را تدریس می‌کنید؟

از سال ۱۳۹۱ که به‌صورت رسمی به‌عنوان آموزگار در آموزش‌وپرورش پذیرفته شدم، همیشه مشتاق شرکت در جشنواره‌های گوناگون بودم. در جشنواره‌ی الگوهای برتر تدریس درس علوم که در سال ۱۳۹۷ برگزار شد و بنده در آن جشنواره رتبه‌ی اول را کسب کرده بودم، کارشناس گروه‌های آموزشی اداره من را به مدیر مدرسه‌ی ابتدایی شاهد حاج اسماعیلو، به‌عنوان آموزگار پایه‌ی چهارم ابتدایی، معرفی کرد و از آن زمان در این مدرسه افتخار خدمت به فرزندان شهدا، ایثارگر و جانباز را دارم و باورم این است که روح شهدای عزیز همیشه یاریگر من بوده است و خواهد بود.

■ ارتباط شما با دانش‌آموزانتان چطور است؟

کار با بچه‌ها لذت‌بخش‌ترین کار دنیا است. بیشتر اوقات تلاش می‌کنم استعداد دانش‌آموزانم را بیابم و به هر دانش‌آموز در هر زمینه‌ای که توانمند است مسئولیت بدهم. در کارم، جدی و منظم هستم و نهایت دقتم را به کار می‌گیرم. همچنین در تلاشم رفتار و کلام مهربان و ملایمی داشته باشم.

■ برای تدریس موفق از چه روشی استفاده می‌کنید؟

به عقیده‌ی من اولین قدم، برای یک تدریس موفق، داشتن ارتباطی قوی با دانش‌آموزان است. باید با آن‌ها همراه باشید؛ گاهی مهربان و گاهی سخت‌گیر و گاهی هم باید مثل مادر در دلشان نفوذ کنید. دومین قدم داشتن کلاسی شاداب است و در نهایت دست‌ورزی و استفاده از بازی در آموزش گام‌هایی هستند که من را به موفقیت نزدیک می‌کنند. من مدرس درس پژوهی هم هستم و علاقه‌ی زیادی به پژوهش‌محور کردن فعالیت‌هایم دارم. سعی می‌کنم دانش‌آموزانم را به پژوهش‌محوری علاقه‌مند کنم. دانش‌آموزان از نظر سبک یادگیری متفاوت‌اند و معلم همیشه باید به این مسئله توجه کند. زمانی که یاددهی و یادگیری در کلاس درسم به‌خوبی انجام می‌شود، آرامشی می‌گیرم که با هیچ چیز مقایسه و معاوضه نمی‌شود.

■ مهم‌ترین مشکلی که در حال حاضر در مدرسه یا با دانش‌آموزانتان دارید چیست؟

متأسفانه در دوران کرونا آموزش در فضای مجازی باعث شده است که بعضی از اولیا استقلال یادگیری را بنا به دلایلی از فرزندانشان بگیرند. از طرف دیگر، در آن دوران در برخی از مناطق حاشیه‌ای امکان دسترسی به گوشی و فضای مجازی برای همه‌ی دانش‌آموزان امکان‌پذیر نبود و این امر باعث به‌وجود آمدن برخی مشکلات آموزشی شده است. از این‌رو، معلمان باید در دوران پسا کرونا به این مسائل بیشتر توجه کنند تا هم مانع افت تحصیلی بچه‌ها شوند و هم عقب‌ماندگی تحصیلی این‌گونه دانش‌آموزان را جبران کنند.

■ از تدریس و شغل آموزگاری راضی هستید؟

همیشه خداوند را ناظر بر اعمالم می‌بینم و تلاش می‌کنم در امر تدریس کوتاهی نداشته باشم. سعی می‌کنم با همه‌ی دانش‌آموزانم با عدالت رفتار کنم و هر روزم بهتر از دیروز و موفق‌تر باشم. خودم را با دیگران مقایسه نمی‌کنم. با وجود بعضی از مشکلات، تمام تلاشم را برای به‌دست آوردن بهترین‌ها و پرتنری تر شدن خودم به کار برده‌ام. عقیده‌ی من این است که یا کاری را انجام ندهم یا اگر انجام دادم، به بهترین نحو به سرانجام برسانم. از طرفی عاشق بچه‌ها و معصومیت پاکشان

هستم. کار با بچه‌ها و انرژی مثبتی که از آن‌ها می‌گیرم مرا شیفته‌ی شغلم کرده است.

■ شما و دانش‌آموزانتان با مجلات رشد آشنا هستید؟

تا قبل از شیوع کرونا مجلات رشد در مدرسه‌ها، به‌خصوص مدرسه‌های شاهد، توزیع می‌شد؛ اما متأسفانه هنوز، بعد از کرونا، مجلات به دستمان نرسیده است. تا پیش از این، اکثر دانش‌آموزان با علاقه مطالب را مطالعه می‌کردند. فکر می‌کنم مجدد باید اقدام جدی و جدیدی برای دریافت و توزیع مجلات رشد صورت بگیرد.

■ چه خاطره‌ی ماندگاری در این چند سال تدریس دارید؟

زندگی یک معلم سراسر خاطره است؛ گاهی با گریه‌ی دانش‌آموزی بغض می‌گیرد و با خنده‌ای جانت آرام می‌گیرد، گاهی دانش‌آموزی عزیزش را از دست می‌دهد و تو باید مثل کوه پشتش باشی و دل‌داری‌اش بدهی، گاهی که می‌توانی پاسخ تلاشت را در آموزش ببینی، شادی در عمق جانت ریشه می‌دواند. از آنجا که بنده ارادت خاصی هم به شهدا دارم، بسیار خوش‌حالم که افتخار خدمت به فرزندان شاهد را پیدا کرده‌ام. روزی یکی از دانش‌آموزان دفترچه‌ی خاطراتش را به من داد تا برایش خاطره‌ای بنویسم. دفتر را که باز کردم، دلنوشته‌های دختر برای پدرش را دیدم: «پدر شهیدم، سال‌های سال است که پر کشیدی و می‌دانم که تنها گذاشتن من به‌خاطر آرمانی مقدس بود. روزی که برای اولین بار به مدرسه رفتم و بابا نبود تا پشت شیشه‌ی ماشینش برآیم دست تکان دهد و...». از این همه دلتنگی تمام تنم لرزید و تا چند روز بغض امنم نمی‌داد. این فرشته‌های معصوم از طرف خداوند امانتی هستند که ان‌شاءالله، خدا توفیق خدمت به آن‌ها را از من نگیرد.

■ برای آینده چه برنامه‌ای دارید؟

تا به امروز بنا به دلایلی نتوانسته‌ام ادامه تحصیل بدهم. امیدوارم خداوند بزرگ مرا یاری کند تا درسم را ادامه بدهم. در مرحله‌ی بعد می‌خواهم کتاب‌هایم را به چاپ برسانم. امیدوارم فرصت مجددی برایم فراهم شود تا برای تدریس بهتر و مؤثرتر آماده شوم.

مکعب کلمات

گام‌هایی برای فهم آثار داستانی و نمایشی

زهرا لاهوتی فرد

معلم سواد رسانه‌ای منطقه‌ی ۱ تهران

درس سواد رسانه‌ای هنوز جایگاهی رسمی در دوره‌ی ابتدایی پیدا نکرده است، اما گفت‌وگو درباره‌ی موضوعات تربیتی ناشی از کاربری رسانه‌ها و آموزش استفاده‌ی صحیح و فهم درست از رسانه‌ها حتماً باید در فرایند رشد و آموزش دانش‌آموزان قرار بگیرد. در این بخش از مجله، هر شماره به یکی از تجربه‌های اجراشده در مدرسه‌های متعدد با هدف آموزش سواد رسانه‌ای و ارتقای تربیت رسانه‌ای دانش‌آموزان می‌پردازیم.

یکی از اهداف اصلی تربیت رسانه‌ای در مقطع ابتدایی تقویت مهارت «فهم رسانه‌ها» است. از آنجا که آثار داستانی و نمایشی مثل انواع کتاب و فیلم و پویانمایی مهم‌ترین بخش سید مصرف رسانه‌ای در اوقات فراغت بچه‌ها هستند و چالش‌برانگیزترین حوزه‌ی مصرف رسانه‌ای در دانش‌آموزان ما هم همین آثارند، بهتر است تمرکز اولیه برای شروع کار، در حوزه‌ی تربیت رسانه‌ای و فهم رسانه‌ها، در همین موضوع قرار بگیرد. منظور از فهم رسانه در هر مقطع سنی آن است که دانش‌آموز محتوای رسانه‌ای را که از آن استفاده می‌کند و مجاز به مصرف آن است، در حد سن و درک خودش بفهمد. برای تحقق این هدف و رسیدن به فهم

اولیه، می‌توان آن را در سه سطح پیگیری و بررسی کرد و برای هر سطح برنامه‌ریزی و طرح‌درسی مجزا داشت.

نخستین سطح این است که دانش‌آموز «قالب و شکل» آن محتوا را بشناسد؛ مثلاً بتواند ویژگی‌های قالب کتاب داستان، برنامه‌ی تلویزیونی یا پویانمایی را متوجه شود. از جمله اینکه به اندازه و تعداد صفحات کتاب، کیفیت تصویر و رنگ‌ها یا جزئیات موسیقی و صداهای گوناگون به گونه‌ای توجه کند که بتواند در مورد آن‌ها سخن بگوید.

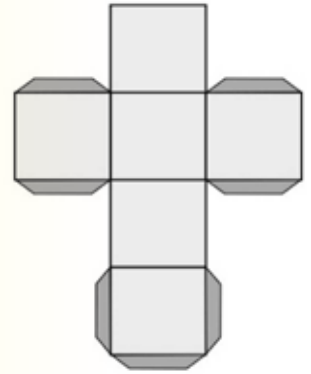
سطح دوم در حوزه‌ی فهم رسانه، درک «محتوا و پیام» است که از طریق شناخت شخصیت‌های خوب و بد، تشخیص ویژگی‌ها و رفتارهای مثبت و منفی شخصیت‌ها، فهم روند کلی داستان، توانایی تشریح سیر داستان و اظهارنظر در مورد نقاط اوج داستان یا کیفیت شروع و پایان آن این هدف حاصل خواهد شد.

در سطح سوم از دانش‌آموز انتظار می‌رود که بتواند از جایگاه یک ناظر بیرونی به خودش و آن رسانه نگاه کند و ببیند در حین مواجهه با یک اثر داستانی یا نمایشی چه «تغییرات احساسی» در او ایجاد می‌شود؛ خوش حالی، ناراحتی، امیدواری، خشم، ترس و ...

از نظر عملیاتی، برای تقویت سه سطح فهم رسانه در مواجهه با آثار نمایشی مثل فیلم‌ها و پویانمایی‌ها که پیچیدگی‌های زیاد شکلی و محتوایی دارند، بهتر است از لایه‌های درونی‌تر این آثار و هسته‌ی مرکزی آن یعنی داستان و عناصر داستان شروع کنیم. پس باید به دانش‌آموزان کمک کنیم به‌طور عمیق داستان و شکل‌های گوناگون آن را بشناسند، عناصر داستان را تشخیص بدهند و حتی بتوانند داستان‌پردازی خلاقانه انجام دهند.

منظور ما از عناصر داستان، شش عنصر است: شخصیت، حادثه، زمان، مکان، زاویه‌ی دید و گفت‌وگو. اولین عنصر و مهم‌ترین کلید درک داستان و فهم پیام برای مخاطب «شخصیت» است. در داستان‌ها با شخصیت‌های حقیقی و خیالی، جاندار و بی‌جان و همچنین مثبت و منفی روبه‌رو هستیم. «حادثه» عنصر دوم و موتور محرک کل داستان است. با وقوع هر حادثه و برهم‌خوردن تعادل داستان، گویی که داستان یک مرحله به پیش می‌افتد و در جهت ایجاد تعادلی ثانویه مسیر داستان





کلمه‌ای در کلاس آماده می‌شود. اگر امکان فراهم کردن مکعب‌های چوبی برای کلاس باشد، با خلاقیت‌های متعدد مثل چسباندن نوار چسب براق و نوشتن با ماژیک، یا چسباندن کاغذهای کوچک و... می‌توانیم دانش‌آموزان را به نوشتن چند باره‌ی کلمات و تنوع‌دادن به مراحل متعدد بازی ترغیب کنیم. این فعالیت علاوه بر تنوع در برگزاری کلاس، موجب تقویت دست‌ورزی بچه‌ها هم می‌شود. بچه‌ها می‌توانند در منزل هم این مکعب‌ها را آماده کنند و به کلاس بیاورند.

آموزگار می‌تواند به دو روش بازی با مکعب کلمه‌ای را با دانش‌آموزان تمرین کند:

روش اول: بچه‌ها می‌توانند بر اساس کلمات تصادفی روی مکعب‌ها به‌صورت گروهی داستان‌سازی کنند؛ مثلاً در یک گروه پنج‌نفره، هر کس روی مکعب خود از هر عنصر دو مورد را می‌نویسد یا نقاشی می‌کند. سپس بچه‌ها مکعب‌ها را روی میز می‌اندازند. حالا این گروه پنج کلمه دارد که کل اعضا باید با آن کلمات، داستان‌هایی خلاقانه بنویسند.

روش دوم: مشابه «بازی دور» است. یعنی نفر اول یک کلمه یا مفهوم را شرح می‌دهد و بقیه‌ی اعضای گروه باید آن را حدس بزنند. همه‌ی مکعب‌های یک گروه در کیسه‌ای ریخته می‌شوند و به نوبت هر کس یک مکعب را بدون اینکه بقیه ببینند انتخاب و یک کلمه از آن را توصیف می‌کند تا دیگر اعضا حدس بزنند.

شایان ذکر است که نمونه‌های آماده‌ی این بازی هم در بازار وجود دارد. همه‌ی این فعالیت‌های داستان‌پردازی با استفاده از مکعب کلمات کمک زیادی به فهم عناصر و سیر داستان می‌کند.

سازنده‌گرا در کلاس استفاده کرد. یکی از روش‌ها و قالب‌های پیشنهادی برای تدریس در این موضوع، استفاده از تعدادی مکعب با عنوان «مکعب کلمات» است. استفاده از مکعب داستان‌گویی یا مکعب کلمات، روش خلاقانه‌ای است که معلمان بزرگوار می‌توانند از طریق آن، در کنار تقویت هوش منطقی و کلامی دانش‌آموزان، دقت آن‌ها را به سیر داستان و عناصر داستانی بیشتر کنند و همچنین آن‌ها را به سمت ساخت خلاقانه‌ی داستان سوق دهند.

هر دانش‌آموز می‌تواند در کلاس مکعب مقوایی بسازد و کلمات را بر وجوه شش‌گانه‌ی آن بنویسد و تصویرگری کند و از آنچه ساخته است، برای داستان‌پردازی خلاقانه استفاده کند. ساخت مکعب‌ها می‌تواند با ارائه‌ی یک الگوی شش‌وجهی مکعب روی کاغذ یا مقوا آغاز شود. دانش‌آموزان در جلسه‌ی اول مشغول ساخت کاردستی مکعب می‌شوند. البته برای فعالیت‌های بعدی اگر نیاز به مکعب‌های بیشتری بود، معلم می‌تواند مکعب‌های آماده‌ای را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد.

معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد داستان‌هایی را که تا به حال شنیده‌اند، به یاد بیاورند. سپس به آن‌ها می‌گوید در هر کدام، اجزای اصلی‌ای که داستان را ساخته است، مشخص کنند و آن‌ها را روی مکعب‌ها بنویسند که البته سه عنصر اصلی شخصیت و زمان و مکان بیشتر مورد تأکید است. از این سه عنصر دو مثال روی هر مکعب نوشته می‌شود؛ مثلاً برای «مکان» کلمه‌ی مدرسه و جنگل برای «شخصیت» کلمه‌ی سنجاب و مریم و برای «زمان» کلمه‌ی شب و ظهر نوشته می‌شود. به این صورت اولین مکعب

شکل می‌گیرد. عناصر دیگر «زمان» و «مکان» اند؛ یعنی مکان‌هایی که داستان در آن اتفاق افتاده است و بسترهای زمانی وقوع داستان. در نهایت، دقت به «گفت‌وگو» میان شخصیت‌ها و «زاویه‌ی دید» در روایت داستان حائز اهمیت‌اند.

از نظر راهبردی برای دستیابی به هدف نهایی «فهم رسانه»، در سه سطح ذکر شده، نیازمند پرورش پیش‌نیازهایی در ذهن دانش‌آموزان و شکل‌گیری برخی توانمندی‌ها از جمله «تفکر منطقی» در آن‌ها هستیم. مطابق آموزه‌های روان‌شناسی تعلیم و تربیت، تفکر منطقی به میزان بالایی از «مهارت‌های زبان‌ورزی» تأثیر می‌پذیرد.

با توجه به اینکه اغلب دانش‌آموزان و کودکان ما در عصر رسانه‌ها فقط درگیر تماشا هستند و معمولاً فرصتی برای گفت‌وگو در مورد اثر نمایشی و تصویری برای آن‌ها ایجاد نمی‌شود، عادت ندارند نظرات مثبت و منفی و احساسات خود را درباره‌ی آنچه دیده‌اند، بیان کنند. بنابراین مهارت تفکر منطقی و مهارت‌های کلامی در آن‌ها نیازمند تقویت بیشتر و توجهی دوچندان است.

با در نظر گرفتن این موارد، برای شناخت و فهم بهتر دانش‌آموزان از عناصر داستان می‌توان روش‌های تدریس گوناگون را با رویکرد فعال، مشارکتی، گفت‌وگومحور و



سه قانون طلایی پرسشگری

چگونه با سؤال‌های درست به پاسخ‌های دقیق دست پیدا کنیم؟

دکتر عذرا بیگم هزبری

مدرس دانشگاه، مدیر مدرسه‌ی ابتدایی دخترانه‌ی مهرگان بابل

سیدعلی عبداللہی حسینی

سفیر نوآفرینی آموزش، مربی (کوچ) عملکرد مدرسه‌ی ابتدایی مهرگان بابل

«پرسشگری» هنر پرسیدن سؤالاتی است که جواب‌هایی با ارزش و اطلاعاتی ارزشمند را به ما ارائه می‌دهند؛ اما چگونه می‌توانیم به سؤالاتی دقیق و کارآمد دست یابیم؟ در این مقاله، با معرفی سه قانون طلایی پرسشگری که در قلب توسعه‌ی فنون پرسشگری قرار دارند، در راستای بهبود مهارت‌های پرسشگری شما قدم برمی‌داریم. آشنایی و کسب مهارت این سه قانون طلایی شما را در هدفمند کردن پرسشگری، توجه کیفی به واکنش‌ها و توجه به صحبت‌های دانش‌آموزان و به رشد و پیشرفت یادگیری آن‌ها یاری می‌دهد. در ادامه، به بررسی دقیق هر یک از این قوانین خواهیم پرداخت و نکات مهمی را در این زمینه بررسی خواهیم کرد. پس با ما همراه باشید.

قانون اول؛ مقصد / هدف خود را بدانید

مسئله‌ی مهم‌ترین عامل در توسعه‌ی پرسشگری شما در گام اول این است که بدانید «چرا» می‌پرسید. هنگامی که اولین پرسشش را مطرح می‌کنید باید در ذهن داشته باشید که توالی پرسشگری می‌تواند شما را به کجا برساند و دوست دارید دانش‌آموزان از این تعامل چه چیزی به دست آورند. در نظر گرفتن اثر آنچه می‌پرسید، مهم‌تر از تفکر در مورد چیزی است که می‌پرسید.

حالا با هم وارد یک کلاس واقعی شویم تا توالی پرسشگری را با هدف‌های گوناگون بررسی کنیم:
الف) معلم کلاس با هدف «توضیح یا پاسخ طولانی‌تر و گسترده‌تر» از دانش‌آموزان سؤال می‌پرسد.
معلم: پایتخت ایران کجاست؟
دانش‌آموز: تهران.

معلم: شما از کجا می‌دانید؟
ب) معلم کلاس با هدف «درگیر کردن» دانش‌آموزان سؤال می‌پرسد.

معلم: پایتخت ایران کجاست؟
دانش‌آموز: تهران.

معلم: درباره‌ی تهران چه می‌دانید؟
ج) معلم کلاس با هدف به چالش کشیدن تفکر دانش‌آموزان سؤال می‌پرسد.

معلم: پایتخت ایران کجاست؟
دانش‌آموز: تهران.

معلم: چرا تهران؟ چرا اصفهان نیست؟ اصفهان که شهر بزرگ‌تری است.
د) معلم کلاس می‌خواهد با هدف «به‌کارگیری اصطلاحات موضوعی» از دانش‌آموزان سؤال می‌پرسد.

معلم: پایتخت ایران کجاست؟

آزمایشی

دی‌ماه
دوره‌ی بیست‌و‌هفتم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۲

۳



قانون سوم؛ ساکت بمانید و گوش فرا دهید

سکوت، یک گام و فرایند اساسی در تسهیل یادگیری محسوب می‌شود. منظور از پرسشگری فقط مطرح کردن یک پرسش نیست؛ بلکه گوش‌فرادادن به پاسخ و واکنش با آن‌ها با پرسش دیگری است، با این هدف که پاسخ‌دهندگان را در تفکر به جلو و به سمت پیشرفت سوق دهیم. دانش‌آموزان آنچه می‌دانند خواهند گفت و آنچه می‌دانند بر اساس چگونگی افکار آن‌هاست. اگر بتوانیم یاد بگیریم که به صحبت‌های دانش‌آموزان خود گوش فرا دهیم، ما همچنین می‌توانیم یاد بگیریم و پی ببریم که آن‌ها چگونه فکر می‌کنند.

بنابراین یک مهارت اساسی در توسعه‌ی پرسشگری این است که یاد بگیریم صحبت نکنیم. هدف از سکوت، گوش‌فرادادن و ایجاد فرصت تفکر برای دانش‌آموزان است. بنابراین باید با سکوت احساس راحتی کنیم و همیشه شکاف‌ها را، یعنی فرصت‌های ایجادشده بین پرسش شما و پاسخ دانش‌آموزان، پر نکنیم.

در این مقاله به بررسی سه قانون طلایی پرسشگری پرداختیم. امیدواریم با پیروی از این قوانین بتوانیم مهارت‌های پرسشگری خود را بهبود بخشیم و به دانش واقعی‌تری دست پیدا کنیم؛ چرا که اثربخش‌تر کردن مهارت پرسشگری، نیازمند تمرین و تأمل شخصی برای ادامه‌ی توسعه‌ی این فرایند است. به امید آن روز.



۲

قانون دوم؛ واکنش‌های خود را برنامه‌ریزی کنید

برای اطمینان از اینکه پرسشگری به‌طور متمرکز و برای هدف شما پیش می‌رود، باید از قبل گفت‌وگو را برنامه‌ریزی کنید تا توالی نیز با برنامه‌ریزی رخ دهد. این بدان معنا نیست که هر پرسشی که می‌خواهید در جلسه‌ی تدریس مطرح کنید، باید در طرح درس نوشته شود. در حقیقت، وقتی معلمان این کار را انجام می‌دهند، اغلب نمی‌توانند تمام پرسش‌های موجود در درس را به خاطر بسپارند. بنابراین از هیچ یک از آن‌ها استفاده نمی‌کنند؛ اما ارزش آن را دارد که به یک توالی از شروع تا انتها ببینید و فقط یک یا دو پرسش و مثال ممکن برای استفاده در درس آماده داشته باشید. بنابراین برای انجام باکیفیت این کار، باید از قبل درباره‌ی گفت‌وگو تفکر کنید.



دوی امدادی



اعظم لاریجانی

این داستان برگرفته از خاطره‌ی «حسین فروتن مهر» است. حسین فروتن مهر پانزده سال است که در آموزش و پرورش خدمت می‌کند. او که هم‌اکنون مدرک کارشناسی‌ارشد آموزش ابتدایی دارد، از این پانزده سال، ده سال را در منطقه‌ی زردلان شهرستان هلیلان، در استان ایلام، مدیر آموزش بوده و اکنون در دبستان شهید گچی معاون آموزشی است. در کارنامه‌ی او افتخارات متعددی به چشم می‌خورد، از جمله کسب مقام اول جشنواره‌ی الگوهای برتر استان ایلام و کسب مقام اول پرسش مهر. وی همچنین مؤلف مقالات متعدد آموزشی است، چندین مقام نیز در رشته‌ی نقاشی کسب کرده و یکی از نقاشی‌های او در کتاب پست جمهوری اسلامی ایران به چاپ رسیده است.

چهارمین روزی بود که با انتخاب این مسیر به مدرسه می‌رفت. اولین بار، زمانی بود که تصمیم گرفت قبل از رفتن به مدرسه در روستا چرخی بزند. به شیب تند این کوچه که رسید، کنجکاو شد تا ببیند به کجا می‌رسد. میانه‌ی مسیر صدای خش‌خش شنید و بعد جاروی دسته‌کوتاهی را دید که دستان کودکی آن را با مهارت به تن خاکی کوچی می‌کشید. قدم‌ها را تندتر کرد تا به حس کنجکاویش پروبالی دهد. دخترکی هم آنجا گاهی کمر راست می‌کرد و سرک می‌کشید تا ببیند کیست که بالا می‌آید. «سرمد میزبان» شیب تند را که پشت سر گذاشت، دختر موهای قرمز را زیر روسری چپاند و صورت سرخش را به سمت او برگرداند و سلام جویده‌ای کرد. سرمد با مهربانی سلامش را پاسخ گفت و همان‌طور که راه را به سمت مدرسه ادامه می‌داد، برگشت و دید که دختر جارو را زیر بغل گذاشته است و به سمت خانه می‌رود. از آن روز به بعد او زمان

-عه، مش سبجان؟ می‌شناسمش. مش سبجان همان مرد باملاحظه و دست‌ودلبازی بود که با او در مسجد آشنا شده بود. مزه‌ی ماست تعارفی‌اش را که تا دم ماشین آورده و جاساز کرده بود که نریزد، هنوز در دهانش احساس می‌کرد.

آن روز بعد از مدرسه دوباره از مسیر خانه‌ی دختر رد شد. این بار برای اینکه مش سبجان را ببیند. هم‌زمان با رسیدن او، مش سبجان گله را می‌کرد تا به طویله راهی‌شان کند.

-خدا قوت مش سبجان!
-زنده باشی آقا، راحت رو دور کردی. می‌ری سمت ماشینت یا جایی کار داری؟
-نه با شما عرضی داشتم.
-بفرما جانم، خیر باشه. بفرما داخل یک پیاله چای بخوریم.

سرمد بدون تعارف، زیر نگاه متعجب مش سبجان که فقط تعارف کرده بود، فوری پشت سرش یاللهی گفت و چپید در خانه. مش سبجان از پله‌های ایوان بالا رفت و دستی به پشتی کشید و به او تعارف کرد تا بنشیند و از همان جا داد زد: «صنوبر، بابا، دو تا چای بیار. مهمون داریم.»

دختر انگار که چای‌ها را قبلاً ریخته و در سینی گذاشته و پشت در منتظر امر بابا ایستاده باشد، دقیقه‌ای بعد سینی به دست از اتاق به ایوان آمد و با دیدن آقا معلم شوکه شد.
-س سلاااام

-سلام دخترم. دستت درد نکنه!
صنوبر که به اتاق برگشت، سرمد سرفه‌ای کرد تا به خودش فرصت دهد و بتواند فکرش را جمع و جور کند. بعد با مکت و به آهستگی گفت: «مش سبجان، غرض از مزاحمت اینه... که از شما درخواست کنم، برای... عرض کنم که... برای اینکه دخترتون رو بفرستید مدرسه. دیگه وقتشه... شاید هم... نه حتما... فکر کنم کمی هم دیر شده.»

مش سبجان فکر کرد: «در دیزی بازه، حیای گربه کجا رفته؟! بیخودی سلامش رو علیک گرفتم.» بعد با سگرمه‌های درهم و لحنی شاکتی گفت: «دیر و زودش فرقی نمی‌کنه. دختر سواد می‌خواد چی کار کنه؟ سه چهار سال دیگه می‌ره خونه بخت. حالا دم دست مادرش کار و بار زندگی رو یاد بگیره، بیشتر به دردش می‌خوره یا وقتش رو با سیاه‌کردن دفتر هدر بده؟! شوهرش سواد داشته باشه بسه.»

سرمد که در جریان گرفتاری مش سبجان

جارو کردن بیرون خانه را با ساعت عبور آقا معلم تنظیم می‌کرد. تعریفش را زیاد شنیده بود. از دختردایی‌هایش که به مدرسه‌ی عشایری روستا می‌رفتند، از بچه‌های همسایه‌ی دیوار به دیوار، حتی از پدرش که گفته بود معلم جدید متدین و کارراه‌انداز است. سرمد در چهارمین روز طی کردن آن سراسیمی تند، به این فکر می‌کرد که چرا این دختر به مدرسه نمی‌آید. قد و بالای او نشان می‌داد که شاید کمی هم برای مدرسه رفتنش دیر شده باشد. هر بار با احساس سنگینی نگاه

66

الآن خود شما، نه خانمت، نه خودت سواد نداری. چقدر به مشکل بر می‌خورین. کار بانگی، نامه اداری، هم‌اشار باید التماس در و همسایه رو بکنین

حسرت‌بار دختر به سمت مدرسه می‌رفت. روز پنجم بالاخره دلش را به دریا زد و در کلاس از بچه‌ها پرسید: «بچه‌ها یک دخترتی هست که موهای قرمزی داره. خونه‌شون پشت بالا محله، کنار باغچه‌ی مسجده. اون چرا نمی‌آد مدرسه؟»
صالح که همسایه‌ی دیوار به دیوار دختر بود گفت: «صنوبر رو می‌گین؟ آقا، باباش نمی‌ذاره بیاد مدرسه.»
-چرا؟
-آخه دختره.

سرمد با لحنی که نشان می‌داد عصبانی شده است، به ردیف دخترها اشاره کرد و گفت: -خب، این همه دختر توی این کلاسسه. هر کی سر جای خودش جدا نشسته.

سکوت کلاس را فرا گرفت. کسی توضیحی نداشت. سرمد دوباره پرسید: «اسم پدرش چیه؟»

-مش سبجان!

برای کاری اداری بود که چند وقت پیش
چقدر به همه رو زده بود تا یک روز با او به
بانکی در شهر بروند، بلافاصله گفت:

- اگر شوهرش هم سواد نداشت چی؟
الان خود شما، نه خانمت، نه خودت سواد
ندارین. چقدر به مشکل بر می خورین. کار
بانکی، نامه اداری، همه‌اش باید التماس در و
همسایه رو بکنین.

مش سبحان با فکر اینکه سرمد دارد بابت آن
روز که او را با ماشین به شهر برد و همراهش
رفت بانک و کارش را راه انداخت، منت
می گذارد، گفت: «خب، ما به یه سواددار
شوهرش می دیم که منت کسی هم رو
سرمون نمونه.»

سرمد فهمید که اشتباه کرده است، حرف را
عوض کرد: «الان زمانه فرق کرده مش سبحان.
شاید اونی که سواد داره نیاد سراغ دختر شما.
الان تو این روستا فقط یه دختر شماسه که
نمی آد مدرسه، همه‌ی بچه‌ها چه دختر چه
پسر می آن سر کلاس.»

معلوم بود مش سبحان خوف کرده است
که مبادا دخترش بماند روی دستش؛ ولی
باز هم سکوت کرد و استکان‌های خالی را
توی سینی گذاشت که معنی اش آن بود که
مهمانی تمام است.

سرمد دست خالی و بازنده از خانه‌ی آن‌ها
بیرون آمد و با قدم‌های تند به سمت ماشینش
رفت تا قبل از اینکه دیر شود، خودش را از
جاده‌ی پر پیچ و خم صعب‌العبور روستا به خانه
برساند.

روز دهم باز هم از همان مسیر و از همان شیب
تند بالا آمد و صنوبر را دید که روی خاک آب
می پاشد. صنوبر با دلشوره قدمی به سمت او
برداشت. می خواست چیزی بگوید، اما بی هیچ
کلامی و حتی سلامی، سریع برگشت به
سمت خانه.

به مدرسه که رسید از دختر دایی صنوبر
پرسید: «امروز، به پدرت گفتی بیاد
مدرسه؟»

- بله آقا، گفتیم. گفت باز چه
دسته گلی به آب دادی؟

صدای خنده‌ی بچه‌ها در
کلاس پیچید. زنگ تفریح
اول حاج محمود آمد.
در دفتر نشستند و سلام و
احوالپرسی کردند.

- حاج آقا، غرض از زحمتی که دادم به
شما مربوط به این طفل معصوم، دختر



مش سبخانه. پدرش نمی‌ذاره بیاد مدرسه. با خودش هم صحبت کردم. شنیدم از شما رودرواسی داره و بهتون نه نمی‌گه. گفتم شما یه پادرمیونی کنین شاید افاقه کنه.»

حاج محمود بلافاصله آب پاکی را ریخت روی دست سرمد و گفت: «نه جانم. فایده نداره. خیال می‌کنی نگفتم! گفتم. بهش توضیح دادم با دخترای من می‌ره، می‌آد. گوش نکرد که نکرد. می‌گه تو از من جون بخوای می‌دم؛ ولی این روزم نخواه.»

انگار آب سردی روی سرمد ریختند. به کلاس برگشت. روز یازدهم از شیب کوچه که بالا آمد، به اطراف نگاه کرد. صنوبر را ندید. ترسید که امیدش را از دست داده باشد. دوان دوان خود را به مدرسه رساند و بچه‌ها را جمع کرد و از مدیر اجازه گرفت و گفت: «امروز ما کلاسماں در در فضای باز برگزار می‌کنیم.»

با بچه‌ها گروهی به سمت خانه‌ی مش سبحان رفتند. زیر درخت باغچه‌ی مسجد زیرانداز را انداختند و درس را شروع کردند. صنوبر از لای در آن‌ها را می‌پایید. به نظر سرمد می‌رسید که زیر لب چیزی را تکرار می‌کند. از آن روز کلاس سیار سرمد همه‌جای روستا می‌گشت. یک روز زیر درخت بیرون خانه‌ی مش سبحان، یک روز در مسجد روستا، یک روز در دشتی که مش سبحان گله‌اش را می‌چرانید و این همان روزی بود که صنوبر پدرش را همراهی می‌کرد. مش سبحان هم گاهی با کنجکاوی

به هم‌صدایی بچه‌ها که شعری را می‌خواندند، گوش می‌سپرد. صنوبر و پدرش هر جا که سر می‌چرخاندند، کلاس را می‌دیدند یا از نحوه‌ی تدریس این معلم کاربلد چیزی می‌شنیدند.

سرمد تمام هم‌وغمش شده بود اینکه راهی بیاید تا صنوبر را به مدرسه بیاورد. حتی اگر آن راه حرف‌زدن دوباره با حاج محمود باشد که قبلاً از او جواب نه شنیده بود. آن قدر به او اصرار کرد تا عاقبت او را مجاب کرد تا دوباره با مش سبحان حرف بزند. پادرمیانی دوباره‌ی حاج محمود و همه‌ی کسانی که سرمد دست به دامانشان شده بود، بی‌تأثیر نبود برای اینکه مش سبحان کوتاه بیاید و یک روز که بچه‌ها در حیاط حسینی‌نشین شده و دل به درس سرمد سپرده بودند، برود داخل. مش سبحان با دست به سرمد اشاره کرد به کناری برود تا بچه‌ها صدایش را نشنوند.

آقا، دل من که از سنگ نیست. اومدم بگم باشه. صنوبر بانوی ما هم بیاد مدرسه. فقط جوری نباشه که بگم اومدم ثواب کنم، کباب شدم. کار و بار خونه ب نمونه که چی؟ مدرسه رفتم یا خسته‌ام یا وقت نکردم، من برسیم خونه، اون باید قبل از من اونجا باشه. یا یه روز که کار گله و زراعت لنگه، باید وردستم باشه و بهانه‌ی درس و کتاب نیاره.

به روی دو چشم آقا سبحان. هر چی شما بفرمایید.

مش سبحان صدایش را بلند کرد و گفت: «بیا

بابا. یا علی بگو بیا داخل.»

صنوبر سرش پایین بود؛ اما می‌شد لیخنش را دید. سرخی لیش از خجالت دو برابر شده بود. زیر لب سلامی کرد و آرام به سمت بچه‌ها رفت.

روزها گذشت. مدرسه برقرار بود. صنوبر می‌آمد؛ اما نه همیشه. هر وقت کاری پیش می‌آمد، در خانه می‌ماند و دختردایی‌هایش تکالیفش را به دستش می‌رساندند. بعضی روزها هم فقط دو ساعت در مدرسه بود. درس را می‌شنید و زود به خانه می‌رفت تا قبل از مش سبحان به خانه برسد. روزهایی هم بود که کلاس آنجا تشکیل می‌شد که صنوبر مشغول کار بود تا همان‌طور که کار می‌کند، کلامی بشنود یا وقت ناهار به کلاس بپیوندد. علاقه‌اش به یادگیری و خواندن و نوشتن نه تنها سرمد که همه‌ی کلاس را به

سر شوق می‌آورد. سرمد همچنان هر روز که از مسیر برگزیده‌اش یعنی کوچه‌ی شیب‌دار منتهی به خانه‌ی مش سبحان عبور می‌کرد، روزها را می‌شمرد. در صدو هشتادمین روز وقتی از شیب کوچه بالا آمد، صنوبر را دید که بیرون خانه، کنار پدرش که روی چهارپایه‌ای نشسته، ایستاده است و از روی کتاب، قصه‌ای را برای پدرش می‌خواند. مش سبحان انگار در آسمان سیاحت می‌کرد. نمی‌توانست چشم نمدارش را از چهره‌ی معصوم دخترش بردارد و گوشه‌ی لیش لیخنش محو دیده می‌شد.

سال‌ها گذشت. صنوبر به خانه‌ی بخت رفت، در حالی که کتاب‌های زیادی به همراه جهیزیه‌اش می‌برد؛ کتاب‌هایی پر از داستان‌ها و شعرهایی امیدبخش که او تصمیم داشت برای کودکش نگاه دارد. روز چهارم، دختردایی صنوبر به او گفت: «این کتاب‌ها رو دیگه چرا می‌بری؟ جاگیره. بچگونه هم که هست.» صنوبر گفت: «این کتاب‌ها رو می‌برم برای بچه‌هام نگه می‌دارم. آگه یادت باشه، آقای میزبان همیشه می‌گفت: آگه کتاب بخونید، تو هر کاری درجه یک می‌شین، حتی در مادری. منم می‌خوام بچه‌هام از اول کتاب بخونن. دلیم می‌خواد یکی شون معلم بشه.»

صنوبر فکر نمی‌کرد به چیزی که آرزویش را داشته، نرسیده است. او نیمی از مسیر را رفته و درست مثل دوندگی دوی امدادی، چوب را از دست آقا معلم گرفته و نزدیک است تا آن را در دست فرزندش بگذارد تا او ادامه‌ی مسیر را بپیماید. اگر فرزندش به انتهای مسیر برسد، او احساس می‌کند که برنده شده است.





یک شب و شش ساعت



برنامه‌ی شب یلدا امسال ما در مدرسه‌ی استثنایی در کنار فرشتگانی زمینی گذشت و ما در راستای اهداف تعلیم و تربیت ششگانه برنامه را اجرا کردیم. امسال تدارکات جشن با کمک دانش‌آموزان آموزشگاه شهید ایمنی صورت گرفت و بچه‌ها علاوه بر گذراندن اوقات شاد و دلپذیر با موارد بسیاری آشنا شدند که به آن اشاره می‌کنیم:

ساحت عبادی، اعتقادی و اخلاقی

مواردی که در اجرای این برنامه با ساحت عبادی و اخلاقی ارتباط داشت، عبارت بودند از:

- مانند تمام برنامه‌های دیگر مدرسه، مراسم جشن شب یلدا نیز با نام خدا و تلاوت آیاتی از قرآن مجید آغاز شد.
- یکی از کارهایی که بسیار در دین ما به آن سفارش شده، صله‌ی رحم و ارتباط با اقوام است. جمع‌شدن و دیدار با فامیل در شب یلدا یکی از مهم‌ترین رسم‌هایی است که هر ساله در بین بیشتر خانواده‌ها صورت



فاطمه شیخ محسنی، کارشناس ارشد علوم تربیتی از دانشگاه علامه

طباطبایی، رابط تلفیقی در شهرستان اقلید

مجتبی محرابی، کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، معاون متوسطه‌ی

اول شاهد شهید رزین کلاه

سمانه ظهیری، کارشناس آموزش ابتدایی، آموزگار استثنایی آموزشگاه

شهید ایمنی اقلید

ایران یکی از قدیمی‌ترین کشورهای جهان است که در کارنامه‌اش، علاوه بر قرن‌ها تاریخ، جشن‌های سالانه و مراسم و آداب و رسوم زیادی نیز به چشم می‌آید. جشن شب یلدا یکی از این آیین‌هاست. ایرانیان قرن‌هاست که در سی آذر هر سال، در انتظار طلوع دوباره‌ی خورشید، طولانی‌ترین شب سال را جشن می‌گیرند و این‌گونه از روزهای طولانی‌تر و حضور نور استقبال می‌کنند. شب یلدا که به آن «شب چله» نیز می‌گویند، یک جشن انقلاب زمستانی و یکی از باستانی‌ترین جشنواره‌های ایرانی است که ایرانیان در سراسر جهان هر ساله آن را بر پا می‌دارند. یلدا به معنای تولد است و به تولد میترا اشاره دارد؛ الهه و اسطوره‌ی نور. در شب یلدا دوستان یا اقوام دور هم جمع می‌شوند و به خانه‌ی پدری‌بزرگ و مادر بزرگ یا افراد مسن می‌روند تا طولانی‌ترین شب سال را با خوردن آجیل و میوه، خواندن شعرهای حافظ، طلب آرزوهای خوب برای یکدیگر و ایجاد نشاط و گفت‌وگو سپری کنند. در واقع همه با هم با خنده به زمستان یک خوشامدی گرم می‌گویند و از پاییز یک خداحافظی عالی می‌کنند.

در سال‌های اخیر، مراسم شب یلدا در مدرسه‌ها نیز جشن گرفته می‌شود. از آنجایی که یک معلم در هر برنامه‌ای به دنبال بهره‌ی آموزشی است، این مراسم می‌تواند تبدیل به یک کلاس درس برای آموختن مفاهیم بسیاری به دانش‌آموزان شود.



می‌گیرد که بسیار ستودنی است. ما در این مراسم، به این مهم اشاره کردیم.

● در دین ما احترام به بزرگ‌ترها به‌خصوص پدر و مادر بسیار سفارش شده است. در مراسم شب یلدا، ما تلاش کردیم تا بچه‌ها با این عبارت قرآنی «و بالوالدین احسانا» آشنا شوند.

- در ضمن این مراسم، به بچه‌ها یادآوری کردیم که تمام این میوه‌ها و خشکبارها نعمت‌های خداوند مهربان هستند و جدای از اینکه ما باید از کسانی که آن‌ها را برای ما فراهم کرده‌اند، تشکر کنیم، باید شکرگزار خدای مهربان نیز باشیم. پس همه‌ی بچه‌ها با ذکر «الحمدلله» آشنا شدند و قول دادند بعد از خوردن هر خوراکی الحمدلله بگویند.



ساحت سیاسی و اجتماعی

موارد مرتبط با این ساحت عبارت بودند از:

● به مناسبت این شب مقداری آجیل و تنقلات تهیه و بسته‌بندی شد تا به دست خانواده‌های نیازمند برسد. با این کار دانش‌آموزان با مفاهیمی مانند کمک به دیگران، نوع‌دوستی و همدلی آشنا شدند.

● دانش‌آموزان در تهیه‌ی بسته‌بندی، اجرای برنامه‌ها، تزئین محل جشن و در خوراکی‌ها با هم همکاری کردند و در راستای این فعالیت هماهنگی و کار گروهی را نیز آموختند.

ساحت علمی و فناوری

با انجام این کارها در مراسم شب یلدا به ساحت علمی و فناوری ورود پیدا کردیم:



● یلدا در واقع کوتاه‌ترین روز و بلندترین شب سال است. از این‌رو، در این مراسم برای دانش‌آموزان درباره‌ی نحوه‌ی تشکیل روز و شب و همچنین اختلاف روز و شب صحبت شد. تفاوت زمانی شب یلدا با شب‌های قبل و بعد از خودش نیز از جمله بحث‌هایی بود که در این مراسم به آن پرداخته شد.

● یکی از مراسم رایجی که در شب یلدا وجود دارد گرفتن فال و خواندن اشعار حافظ است. با استفاده از این فرصت، آموزگاران خواندن صحیح این اشعار را به دانش‌آموزان خود آموزش و به این وسیله مهارت خواندن را در آن‌ها ارتقا دادند.

ساحت زیستی و بدنی

مراسم شب یلدا ما با انجام این فعالیت‌ها با ساحت زیستی و بدنی ارتباط یافت:

● در روز جشن برای دانش‌آموزان بازی‌های جسمی و فکری طراحی شد تا همان‌طور که به شادی و بازی می‌پردازند، مهارت‌های جسمی و فکری خود را نیز تقویت کنند.

● در هنگام آماده‌سازی خوراکی‌های مراسم، درباره‌ی خواص برخی میوه‌ها و آجیل‌های شب یلدا برای بچه‌ها صحبت کردیم و در کنار آن از مضرات خوراکی‌هایی حرف زدیم که در شب یلدا مرسوم شده است، از جمله هندوانه که یک میوه‌ی تابستانی است و مصرف آن در شب یلدا به علت سردی‌ای که دارد، مناسب نیست. همچنین به بچه‌ها توضیح دادیم که ممکن است بعضی هندوانه‌های شب یلدا با استفاده از روش‌های غیرزیستی (غیرارگانیک) و هورمونی به عمل می‌آیند، پس بهتر است به‌جای آن از میوه‌های دیگر استفاده شود.

● در ساحت زیستی نیز اشاره شد که چگونه خشکبار تهیه می‌شود و بچه‌ها با استفاده از اطلاعات شخصی خود و آنچه

از والدین دیده بودند، درباره‌ی شیوه‌ی تهیه‌ی انواع خشکبار مرسوم در شهرستان اقلید صحبت کردند. یکی از بچه‌ها مراحل تهیه‌ی لواشک را برای هم‌کلاسی‌های خود توضیح داد و دیگری گفت چگونه مادرش زردآلوه‌ها و دانه‌های انگور را در تابستان خشک می‌کند و برای شب یلدا نگه می‌دارد. تعدادی از بچه‌ها که در حیاط خانه درخت انگور داشتند توضیح دادند که چگونه میوه‌ها را بدون جداکردن از شاخه در کیسه نگهداری می‌کنند و تا شب یلدا تازه و سالم نگه می‌دارند.

ساحت هنری و زیباشناختی

ورود به این ساحت با انجام این فعالیت‌ها صورت گرفت:

● بچه‌ها برای جشن، خوراکی‌ها را به شکل‌های زیبایی بسته‌بندی کردند.

● آن‌ها محل جشن را آراستند.

● دانش‌آموزان فعالیت‌های هنری زیادی را برای این برنامه تمرین و اجرا کردند.

ساحت اقتصادی و حرفه‌ای

فعالیت‌های مرتبط با این ساحت عبارت بود از:

● برای تهیه‌ی بسته‌بندی‌های خوراکی برای دانش‌آموزان نیازمند، با کمک بچه‌ها، قیمت اقلام مشخص شد. هزینه‌ی هر



بسته محاسبه شد و بچه‌ها با کمک هم حساب کردند با بودجه‌ای که دارند چه تعداد بسته‌ی هدیه می‌توانند تهیه کنند.

● همچنین با دانش‌آموزان گفت‌وگو کردیم که در این ایام چه زمینه‌هایی برای کسب درآمد وجود دارد. بچه‌ها با استفاده از روش بارش مغزی این موارد را بیان کردند:

- عکاسی‌ها با استفاده از درون‌مایه‌ی (تم) شب یلدا می‌توانند مشتری جذب کنند.
- خشکبارفروشی‌ها برای شب یلدا بسته‌های متنوعی با قیمت‌های متفاوت تهیه می‌کنند.
- افرادی که کار تزئین انجام می‌دهند می‌توانند در این شب با تزئین خشکبار و میوه‌ها برای جشن‌های خانگی و مراسم شب یلدا عروس درآمد کسب کنند.
- در این ایام شمع‌هایی با زمینه‌ی (تم) پاییزی و میوه‌های یلدايي نیز طرفداران مخصوص خود را دارد. پس کسانی که به شمع‌سازی علاقه دارند می‌توانند از این فرصت بهره ببرند.

هفت کلید تمرکز

تمرینات هفت‌گانه برای افزایش تمرکز کودکان کم‌دقت

بازی‌هایی برای افزایش تمرکز کودکان

برای کار روی توجه و تمرکز کودک، اولین قدم جلب توجه آن‌هاست. افزایش تمرکز کودک چیزی جز افزایش توجه او نیست. در این شماره، در مورد بازی‌ها و فعالیت‌های حرکتی‌ای صحبت می‌کنیم که منجر به افزایش توجه و تمرکز در کودکان و تعادل و در نهایت ایجاد رابطه‌های همایه‌ای (سیناپسی) و پی‌یاخته‌ای (نورونی) در مغز آن‌ها و در نتیجه یادگیری بیشتر و بهترشان می‌شود. نکته‌ی اصلی برای موفقیت در تقویت تمرکز در کودکان، جذاب‌بودن بازی است. اگر کودکان حین بازی احساس شادمانی و رضایت کنند، بازی را یاد می‌گیرند. والدین با توجه به سن کودک می‌توانند از بازی‌هایی برای افزایش تمرکز کودکان خود استفاده کنند. نکته‌ی مهم برای انجام بازی‌های تمرکزی برای کودکان در واقع مستمر و روزانه‌بودن آن‌هاست. شما باید روزانه ده تا پانزده دقیقه با کودک بازی‌های افزایش تمرکز انجام دهید. تلاش‌های فرزندتان را حتماً تشویق کنید. این بازی‌ها را در محیطی شاد و در قالبی بازی‌گونه انجام دهید، نه اینکه حالت تکلیف داشته باشد و کودک را خسته کند.



معصومه مسلمی، آموزگار پایه‌ی سوم
ابتدایی، شهرستان شهرقدس



همه‌ی ما انسان‌ها در زندگی روزمره با مسئله‌های متفاوتی مواجه می‌شویم که نیاز به حل آن‌ها داریم. برای حل هر مسئله نیز نیاز به فکر کردن به مسئله و تمرکز مناسب روی آن خواهیم داشت؛ پس بر ماست تا دانش‌آموزان و فرزندانمان را از دوران کودکی با فکر کردن و تمرکز درست مواجه کنیم.

یکی از راه‌های آموزش به کودکان بازی است؛ چرا که بازی هم از علاقه‌های کودکان است و هم می‌تواند ما را به هدف موردنظر برساند.

آب‌نویسی
ابتدایی

دی‌ماه
دوره‌ی بیست‌وهفتم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۲

تمرینات هفت گانه برای افزایش تمرکز کودکان کم دقت



توجه و تمرکز پایه و اساس انجام موفقیت آمیز امور روزمره، مطالعه‌ی هدفمند و بهینه و همچنین انجام صحیح تکلیف‌های درسی است. تمرینات و بازی‌هایی هستند که والدین می‌توانند از طریق آن‌ها، توانایی تمرکز و توجه را در کودکان افزایش دهند. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

حدس شکل‌ها

از کودک بخواهید چشمانش را ببندد، آنگاه اشکال هندسی را به او بدهید و از او بخواهید که نوع آن‌ها را حدس بزند. در مراحل پیشرفته‌تر اشکال حیوانات گوناگون را به او پیشنهاد دهید.

تمرکز بر دما

دستان کودک را در دست بگیرید و هنگامی که چشمانش بسته است، دو شیء کمی گرم و کمی سرد را در دستانش بگذارید و از او بخواهید دمای آن را که احساس می‌کند شرح دهد.

تجسم

از کودک بخواهید چشمانش را ببندد. سپس تصویر یکی از اشکال هندسی مانند مثلث را در ذهن تجسم کند و بعد از آن با چشمان بسته آن تصویر را روی کاغذ ترسیم کند. از او بخواهید این کار را دوباره تکرار و تصویر متجسم ذهنش را نقاشی کند. انجام این کار بدون توجه و تمرکز امکان پذیر نخواهد بود. این کار هر چه کندتر صورت گیرد، به علت افزایش مدت زمان توجه و تمرکز، نتایج بهتری به همراه دارد. در مراحل پیشرفته‌تر می‌توان اشکال متفاوت و پیچیده‌تری مانند مربع، لوزی، ستاره و... انتخاب کرد.

بازی با انگشتان

از کودک بخواهید انگشتان دستش را باز نگه دارد و با تمرکز روی یکی از آن‌ها، آن را خم کند. وقتی تمام انگشتانش را بست، دوباره از او بخواهید دستش را باز کند و این بار با تمرکز بیشتر یکی از انگشتانش را خم و دوباره باز کند، سپس همین کار را برای انگشت بعدی انجام دهد، بدون اینکه انگشتان دیگر را خم کند.

تمرکز روی تنفسی

از کودک بخواهید به آرامی نفس بکشد و تا ده بشمارد. عمل شمارش باید در هر دم و بازدم تکرار شود.

نگاه کردن

چیزی را در فاصله‌ی چند متری کودک قرار دهید و از او بخواهید که بدون پلک زدن به آن نگاه کند. هر چه مدت زمان مشاهده بدون پلک زدن طولانی‌تر شود، تمرکز وی به همان نسبت افزایش خواهد یافت. این نکته را به کودک یادآور شوید که پلک زدن همیشه خوب نیست و مختص انجام این تمرین است؛ زیرا پلک زدن مداوم سبب خشکی، سوزش و خارش چشم خواهد شد. در پایان هر تمرین به نتیجه‌ها و پیشرفت‌های به دست آمده نیز توجه داشته باشید.

تمرکز بر صدای محیط

هنگامی که با کودک به مکان‌های شلوغ مانند پارک، رستوران، ساحل، جنگل و... می‌روید، از او بخواهید به صدای طبیعت گوش فرا دهد، صداهایی مانند صحبت افراد حاضر در محیط، صدای آب، صدای امواج دریا، صدای برخورد و تماس اشیاء، صدای پرندگان و... اکنون از او بخواهید هر صدایی را که می‌شنود توضیح دهد. وسایل صوتی و تصویری، انواع لوح‌های فشرده و نوارهای متعددی وجود دارند که حاوی صداهای متفاوت از طبیعت هستند. کودک می‌تواند این تمرین تمرکز را در خانه هم انجام دهد.

ایستگاه صلواتی



محمد سبحانی
عضو بنیاد تعلیم و تربیت برهان

کام اول

معلم با خوش حالی وارد کلاس شد و بعد از سلام و احوال‌پرسی به دانش‌آموزان گفت: «بچه‌های عزیزم، آیا می‌دانید چند روز دیگر چه روزی است؟» بچه‌ها کمی در فکر فرو رفتند و هر کسی چیزی گفت. یکی از بچه‌ها گفت: «فکر کنم جمعه است.» همه خندیدند. معلم (با خنده): «منظورم یک مناسبت است نه روزهای هفته.» دانش‌آموزان: «روز پدر نزدیک است. روز مبعث هم نزدیک است. روز پیروزی انقلاب اسلامی هم نزدیک است.»

معلم: «آفرین بچه‌های عزیزم! منظورم همین روزها بود. فعلاً بیایید در مورد روز پدر حرف بزنیم و ببینیم که چه کارهایی می‌توانیم برای این روز خاص انجام دهیم؟»

دانش‌آموزان: «می‌توانیم برای پدرهایمان هدیه‌ای تهیه کنیم و به آنها بدهیم.»

معلم: «آفرین! فکر خوبی است. حتماً به این موضوع فکر می‌کنیم و هدیه‌ای زیبا و خوب برای پدرهایمان در نظر خواهیم گرفت. آیا کسی می‌داند که روز پدر در واقع چه روزی است که آن را با این عنوان می‌شناسیم؟»

یکی از بچه‌ها فوراً گفت: «بله، بله، روز ولادت حضرت علی (ع) است.»

معلم: «بله، درست است و ما علاوه بر اینکه باید از پدرها و پدربزرگ‌ها قدردانی کنیم، باید حتماً جشنی هم در این رابطه بر پا کنیم و کلی کارهای ویژه انجام دهیم. من با مدیر مدرسه صحبت کردم. ایشان گفتند که شما می‌توانید یک کار ویژه در نظر بگیرید و بعد از هماهنگی، آن را پیش ببرید. حالا همه هم‌فکری کنند و نظر بدهند که در این زمینه ما چه کار ویژه‌ای می‌توانیم در مدرسه انجام دهیم؟»

هر کس نظری داد و معلم همه‌ی نظرات را روی تخته نوشت.

- در نمازخانه جشنی بر پا کنیم و خودمان همه‌ی کارهای آن را برعهده بگیریم.

- چند بازی جذاب در حیاط مدرسه برگزار کنیم.

- یک ایستگاه صلواتی بر پا کنیم و خوراکی‌های خوشمزه در این ایستگاه پخش کنیم.

- پدرها را دعوت کنیم و یک اردوی پدر و فرزندی راه بیندازیم.

معلم از بچه‌ها تشکر کرد و قرار شد او با مدیر مدرسه مشورت و یکی از این کارها را برای کلاس انتخاب کند تا با کمک بچه‌ها آن را پیش ببرند. (در این طرح‌درس قصد انتخاب ایستگاه صلواتی را داریم، پس اگر دانش‌آموزان آن را مطرح نکردند، خود معلم آن را پیشنهاد دهد و روی تخته بنویسد.)

نکته: هر کدام از کارهایی که روی تخته نوشته شده است، می‌تواند یک پروژه‌ی خوب برای کلاس باشد که می‌شود آن را انتخاب کرد و به آن پرداخت.

«پروژه» یکی دیگر از قالب‌های مسئله‌محوری است که خودش دسته‌های گوناگونی دارد؛ مانند پروژه‌های ساخت، پروژه‌های مذهبی، پروژه‌های ملی، پروژه‌های پژوهشی و... .

در این قالب ما باید دانش‌آموزان را درگیر یک فعالیت و پروژه کنیم و طوری عمل کنیم که دانش‌آموزان مشتاقانه به دنبال پروژه بیایند و خودشان تا حد امکان کار را پیش ببرند و معلم یا مربی هم نقش راهبر و تسهیلگر را ایفا کند. هر چقدر بچه‌ها بیشتر درگیر پروژه شوند و پروژه را به‌عنوان کار خودشان ببینند، قطعاً بیشتر برایشان زمان می‌گذارد و با جان و دل کار را پیش خواهند برد.

در کل، پروژه‌های مسئله‌محور کمک می‌کنند تا بچه‌ها کاربرد درس‌هایشان را در زندگی و فعالیت‌های خود ببینند و با آن‌ها ارتباط بگیرند. همین امر باعث یادگیری بهتر و بیشتر آن‌ها خواهد شد.

یادمان باشد پروژه‌هایی که به دانش‌آموزان می‌سپاریم حتماً متناسب با توانایی و سن آن‌ها باشد تا احتمال شکست در آن برایشان پایین بیاید و بتوانند آن را به نحو احسن انجام دهند.

در این مقاله به پروژه‌های دینی خواهیم پرداخت که می‌توان متناسب با سن و پایه و کلاس دانش‌آموزان، آن را تغییر داد.

ایستگاه صلواتی

اهداف آموزشی و تربیتی

ریاضی: جمع و تفریق، ضرب، اندازه‌گیری، نسبت و تناسب، درصد و... .

علوم: مخلوط‌ها، جامد و مایع، محلول، تغییر شیمیایی و فیزیکی و... .

اجتماعی: مسئولیت‌پذیری، کار گروهی، نمایش، کمک به دیگران، ادب و احترام و... .

فارسی: املا، خواندن، نوشتن و... .

هدیه‌ها: آشنایی با ائمه‌ی اطهار(ع)، گرمیادداشت مناسبات مذهبی، برگزاری ایستگاه صلواتی و... .

کار و فناوری: ساخت، دوخت‌ودوز، بازی فکری و... .



کام دوم

معلم بعد از مشورت با مدیر به کلاس آمد. پس از مدتی، در کلاس زده شد. بچه‌ها بلند شدند و مدیر وارد کلاس شد. مدیر: «من دوست داشتم این خبر خوش را خودم به شما بچه‌های عزیز بدهم. به خاطر همین خودم آمدم تا این مطلب را به شما بگویم. وقتی معلم شما پیش من آمد و این موضوع را مطرح کرد، خیلی خوش حال شدم و امیدوار بودم که یک پروژه‌ی خوب پیشنهاد بدهید. وقتی ایستگاه صلواتی را جزو گزینه‌هایتان دیدم، خیلی برایم جذاب شد که چقدر خوب است و می‌تواند جای کار داشته باشد. به همین خاطر من این مسئولیت مهم را به شما می‌سپارم و از شما می‌خواهم که ایستگاه صلواتی را راه بیندازید. تا جای ممکن ما هم شما را کمک خواهیم کرد. ان شاءالله اجرتان با خود حضرت علی (ع) باشد.»

مدیر این را گفت و از بچه‌ها خواست تا تمام توانشان را در این برنامه بگذارند تا به بهترین شکل اجرا شود. او به دانش‌آموزان گفت که می‌توانند از سه روز قبل از روز تولد حضرت علی (ع)، ایستگاه را راه بیندازند و سه روز ایستگاه صلواتی داشته باشند.



کام سوم

معلم رو به بچه‌ها کرد و گفت: «خب بچه‌های عزیزم، مسئولیت سنگینی روی دوش ما گذاشته شده است که باید برای آن تمام تلاشمان را بکنیم. کسانی که دوست دارند در این کار همراهی کنند و پایه هستند، یک یا علی بگویند.» تقریباً همه‌ی بچه‌ها یا علی گفتند. قرار شد با کمک معلم کارها را نوشته و بین گروه‌ها تقسیم‌بندی شود. برخی از بچه‌هایی هم که دوست نداشتند در این پروژه کمک کنند، قرار شد در این زنگ‌ها که بچه‌ها درگیر کار هستند، به بازی بپردازند. (خوب است تلاش کنیم تا همه‌ی دانش‌آموزان درگیر پروژه شوند؛ اما بهتر است که اجباری نباشد.)

معلم: «خب، همه با هم فکر کنیم و بگوییم چه کارهایی باید انجام دهیم؟ همه‌ی کارها را روی تخته می‌نویسم. همه نظر بدهند. اگر ایده‌ای هم دارید، بگویید که در ایستگاه چه کارهایی می‌توانیم انجام دهیم؟»

- گرفتن میز و درست کردن فضای اولیه‌ی ایستگاه صلواتی.

- درست کردن شربت و شیرینی یا کیک.

- گذاشتن چند میز و بازی فکری در جلوی ایستگاه صلواتی با عنوان بازی‌های صلواتی.

- واکس زدن کفش‌های بچه‌ها به‌طور صلواتی.

- آوردن نخ و سوزن و دوختن جوراب‌های سوراخ.

- اجرای نمایش در کنار ایستگاه صلواتی.

- اجرای سرود.

- دود کردن اسپند.

- پخش سرود و مولودی از بلندگو.

- آماده‌کردن بسته‌های شکلات و نوشتن جمله یا حدیث از امام علی (ع) روی آن‌ها.

- گذاشتن یادداشت صلوات در بسته‌های شکلات.

- قراردادن صندوق خیریه کنار ایستگاه صلواتی.

- درخواست برای بازدید اولیا از ایستگاه صلواتی.

نکته: می‌توان به فهرست بالا متناسب با گفته‌های بچه‌ها و وضعیت مدرسه موارد دیگری نیز اضافه یا برخی از آن‌ها را حذف کرد. می‌توان هر کدام از کارهای بالا را انتخاب کرد و متناسب با درس بچه‌ها پیش برد و به آن درس پرداخت. ما در این مقاله به برخی از این فعالیت‌ها می‌پردازیم و سعی می‌کنیم که در آن هدف آموزشی یا تربیتی‌ای را پوشش دهیم.



کام چهارم

در این مرحله، معلم بچه‌ها را گروه‌بندی کرد و هر کدام از کارها را به یک گروه سپرد.

گروه اول: مسئول پذیرایی.

گروه دوم: مسئول زیباسازی و درست کردن ایستگاه صلواتی.

گروه سوم: مسئول نمایش و سرود.

گروه چهارم: مسئول صندوقچه‌ی خیریه و دعوت از پدرها برای این برنامه.

گروه پنجم: مسئول بسته‌بندی شکلات‌ها و نوشتن حدیث و صلوات.

(چون سه روز ایستگاه داشتیم، قرار شد که گروه‌ها در هر روز جابه‌جا شوند. این جابه‌جایی به اختیار مربی است.)

بعد از تقسیم‌بندی، گروه‌ها کارهای خودشان را روی کاغذ نوشتند و آن‌ها هم بین خودشان با کمک معلم کارهایشان را تقسیم‌بندی کردند.

بهتر است کارهای گروه‌ها را با هم مرور کنیم.

گروه اول: این گروه خوراکی‌های متعددی برای پذیرایی در نظر گرفته بودند. با هماهنگی مربی قرار شد تا جای ممکن همه‌چیز را خود

گروه درست کند. معلم مواد لازم برای یک لیوان شربت را به آن‌ها گفت و قرار شد که آن‌ها برونند و محاسبه کنند که چقدر از هر

موادی نیاز دارند. بچه‌ها سعی کردند از طریق تناسب این موضوع را حل کنند و بنویسند که از هر چیز چقدر نیاز دارند. بعد هزینه‌ی آن‌ها را محاسبه کردند.

(معلم می‌تواند در اینجا به بچه‌ها بگوید که ابتدا یک لیوان شربت را درست کنند و بنویسند که از هر کدام از مواد لازم برای تهیه‌ی شربت

چقدر استفاده کرده‌اند و بعد از تأیید معلم، به همان نسبت مواد موردنیاز شربت به اندازه‌ی همه‌ی مدرسه را حساب کنند.)

درست کردن کیک هم از کارهای دیگر بچه‌ها بود که باز هم بچه‌ها با کمک معلم و معاون

مدرسه سعی کردند مواد لازم برای درست کردن کیک را بنویسند و برای بچه‌ها درست کنند.

(این کار را می‌توان به همه‌ی گروه‌ها سپرد تا همه درگیر محاسبات کیک شوند و هم‌زمان لذت پختن کیک را بچشند.)

بچه‌ها پیشنهاد درست کردن ژله را هم دادند که با استقبال عده‌ای روبه‌رو شد. معلم در حین درست کردن ژله به بحث جامد و مایع نیز اشاره



کام پنجم

روز موعود فرا رسید و بچه‌ها که تا آن لحظه، کارهای خودشان را با جان و دل انجام داده بودند، در آن روز سعی کردند بهترین عملکرد خود را داشته باشند. همه چیز طبق برنامه پیش رفت و همه‌ی برنامه‌ها به خوبی انجام شد؛ بچه‌ها اسپند دود می‌کردند، فضای مدرسه خیلی خوب و زیبا شده بود، بچه‌ها سرود می‌خواندند، نمایش اجرا می‌کردند، مولودی از بلندگوی مدرسه پخش می‌شد، بچه‌ها برای گرفتن شربت و کیک صف بسته بودند. میز بازی‌ای نیز در کنار ایستگاه صلواتی قرار گرفته بود که چند بازی فکری روی آن قرار داشت و عده‌ای در آنجا بازی می‌کردند. بسته‌های شکلات به بچه‌ها داده شده بود تا به منزل ببرند و به همه‌ی خانواده شکلات بدهند و صلوات‌هایش را فراموش نکنند. میزی در کنار میز بازی بود که بچه‌ها می‌توانستند در آنجا نقاشی بکشند و... روزی که پدرها به مدرسه آمدند، یکی از به‌یادماندنی‌ترین روزها برای دانش‌آموزان شد. بعد از این سه روز مدیر و معلم از دانش‌آموزان تشکر کردند.

نکته‌ها:

- بهتر است گروه‌ها را تا جای ممکن جابه‌جا کنیم تا بتوانیم با همه‌ی گروه‌ها درس‌های مدنظر خود را مرور کنیم.
- می‌توان همان ابتدا با بچه‌ها هماهنگ کرد که مثلاً در روز، یک زنگ را می‌توانید به کارهای ایستگاه صلواتی بپردازید.
- می‌توان تمام گروه‌ها را متناسب با مدرسه و اهداف آموزشی و تربیتی خود تعیین و تعداد گروه‌ها را کم یا زیاد کرد و حتی به برخی دیگر از کارها رسید.
- توجه:** این طرح درس ساخته‌ی ذهن نویسنده و لزوماً اتفاق نیفتاده است. این شکل از نوشتن فقط برای حس گرفتن شما مخاطبان عزیز انتخاب شده است. پس می‌توان این طرح درس را با ذهنیت خودتان و متناسب با زیست‌بوم مدرسه و محیط کلاس و... طراحی کنید. همچنین می‌توان به جای میلاد حضرت علی (ع) از روزهای خاص دیگر نیز استفاده کرد.

کرد. همچنین پیشنهادهایی مانند تهیه‌ی حلوا و لقمه‌های نان و پنیر و... نیز داده شد که باید با کمک همه‌ی کلاس درست می‌شد.

گروه دوم: قرار شد این گروه نامه‌ای به مدیر مدرسه بنویسد و درخواست میز، نیمکت، پارچه‌های رنگی و... را بدهد. بچه‌ها بعد از مشخص کردن مکان ایستگاه، شروع به اندازه‌گیری کردند و مقدار پارچه‌های درخواستی را نوشتند. آن‌ها سعی کردند تا یک آرایسه‌ی (دکور) زیبا برای غرفه‌ی کلاس طراحی کنند. بدین منظور، اعضای گروه دوم نخست روی کاغذ نقشه‌های خود را کشیدند و در نهایت با تأیید مربی یکی از طرح‌ها انتخاب و قرار شد که این گروه روی این طرح انتخاب‌شده کار و آن را روی غرفه پیاده کنند.

گروه سوم: این گروه هم چند نمایش نامه تدارک دیدند و بعد از بحث و گفت‌وگو، با هماهنگی معلم یکی از آن‌ها را انتخاب و تمرین خود را شروع کردند. آن‌ها همچنین یک سرود زیبا نیز آماده کردند تا با هم در ایستگاه صلواتی بخوانند.

گروه چهارم: این گروه دعوت‌نامه‌های زیبایی را طراحی کردند و قرار شد یک روز که شرایط مهیا بود، تعیین شود تا پدرها بتوانند به مدرسه بیایند.

آن‌ها همچنین یک صندوقچه‌ی زیبا هم برای کمک‌های مالی داوطلبانه درست کردند. بچه‌ها تصمیم گرفتند درصدی از این پول را به خیریه بدهند و قسمتی از آن را برای ایستگاه‌های صلواتی بعدی نگه دارند.

گروه پنجم: این گروه بعد از محاسبه‌ی تعداد شکلات‌ها و تصمیم‌گیری برای تعداد بسته‌ها و میزان شکلات داخل هر بسته، شکلات‌ها را تهیه و شروع به بسته‌بندی کردند.

آن‌ها احادیث و تعداد صلوات‌ها را نیز روی کاغذهایی که آماده کرده بودند، با خط خوش نوشتند تا در بسته‌ها قرار دهند.

معلم از آن‌ها خواست تا عددی را مشخص کنند و ببینند که در هر بسته باید چند صلوات باشد تا به آن عدد موردنظر برسند.

نکته: در اکثر کارها بچه‌ها متناسب با زمان خود به گروه‌های دیگر هم کمک می‌کردند؛ مثلاً گروه پذیرایی و بسته‌بندی به نیروی بیشتری نیاز داشت و برای همین اعضای دیگر گروه‌ها به آن‌ها نیز کمک می‌کردند.

پله‌ی اول

آموزش مردم‌سالاری در کلاس



حانیه بیابانی

آموزگار پایه‌ی ششم ابتدایی،
استان سمنان

تعلیم و تربیت از طریق نهادهای رسمی سهم بسزایی بر رشد ابعاد گوناگون فکری، اجتماعی، مذهبی، هنری، اخلاقی و... در افراد دارد. بُعد اجتماعی شخصیت انسان از ابعاد مهم وجودی اوست و تحت تأثیر تربیت اجتماعی وی قرار می‌گیرد. این روزها بحث مربوط به تربیت شهروندی با تفکر مردم‌سالارانه در محافل تربیتی و اجتماعی بسیار داغ است و سیاستمداران و اندیشمندان آموزش و تربیت به تحقق جامعه‌ی مردم‌سالار توجه ویژه نشان می‌دهند.

کتاب دموکراسی و تعلیم و تربیت اثر جان دیویی شناخته‌شده‌ترین اثر تربیتی در باب پیوند مردم‌سالاری و تعلیم و تربیت محسوب می‌شود. به گفته‌ی خود دیویی این کتاب نخست به شناسایی و بیان ایده‌هایی می‌پردازد که یک جامعه‌ی مردم‌سالار به آن دلالت دارد و سپس به کاربرد این ایده‌ها برای مسائل مربوط به آموزش و پرورش را مطرح می‌کند.

مسئله‌ی مردم‌سالاری و شاخص‌های آن نظیر آگاهی، مسئولیت‌پذیری، تعهد، مشارکت فعال، انتقادپذیری و انتقادگری در اسناد جدید نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته است؛ اما آنچه اغلب معلمان را با چالش روبه‌رو می‌سازد، اجرای این شاخص‌ها در کلاس درس است. در این نوشتار بخشی از تجربه‌ی آموزشی مربوط به اجرای ایده‌ی مردم‌سالاری در کلاس درس شرح داده شده است.

کلاس درس مطلوب، زمینه‌ای برای تمرین ابعاد گوناگون زندگی واقعی دانش‌آموزان محسوب می‌شود. اگر قرار است دانش‌آموز ما در جامعه‌ای مردم‌سالار زندگی کند، باید اصول مربوط به آن را در کلاس درس دیده و تمرین کرده باشد. زمینه‌سازی برای تحقق همه‌ی شاخص‌های مردم‌سالارانه در یک کلاس کار دشواری است؛ اما معلم می‌تواند در طی سال تحصیلی با پرداختن به این اصول و ایده‌ها که در ادامه بیان



می‌شوند، کلاس خود را به کلاسی مردم‌سالار نزدیک‌تر کند:

۱. حق رأی همگانی

این عبارت یعنی «داشتن حق رأی همگانی» می‌تواند یکی از اصول اساسی کلاس در نظر گرفته شود. البته اینکه حدومرز تصمیم‌گیری دانش‌آموزان تا چه اندازه باشد، با توجه به اوضاع کلاس و دانش‌آموزان، در اختیار معلم است، اما معیار قراردادن این اصل در کلاس می‌تواند تمرین خوبی برای آموزش مردم‌سالاری به دانش‌آموزان باشد و حس خوب احترام و ارزشمندی را به‌عنوان عضوی از کلاس به آنان القا کند؛ مثلاً دانش‌آموزان می‌توانند از بین گزینه‌های متنوعی که معلم برای ارزشیابی مبحثی به آنان معرفی می‌کند، یک یا دو مورد را انتخاب کنند و پس از انتخاب شدن دو روش ارزشیابی، به تناسب تفاوت‌های فردی خود از میان دو روش انتخاب‌شده در کلاس یکی را برگزینند.

۲. آزادی پرسش و اظهار نظر درسی

بر این اساس همه‌ی دانش‌آموزان حق دارند سوالات و ابهامات درسی خود را در کلاس مطرح کنند، حتی اگر سؤال یا نظر دانش‌آموز بر خلاف نظر معلم یا حتی محتوای کتاب درسی باشد. این رفتار می‌تواند پیش‌زمینه‌ای برای یک گفت‌وگو سودمند بین معلم و دانش‌آموزان باشد یا حتی منجر به تحقق پروژه‌های تحقیقاتی شود. دانش‌آموزان باید بیاموزند پرسشگر باشند، هر اطلاعاتی را به‌سادگی نپذیرند و مطالب درسی را موشکافی کنند. وقتی معلم در یک بحث جمعی به دانش‌آموزان فرصت دهد تا درباره‌ی موضوعات متعدد اظهار نظر و از عقاید خود دفاع کنند، آن‌ها ناچار می‌شوند برای مشارکت در بحث بر اطلاعات خود بیفزایند. دانش‌آموزان با شنیدن تحلیل‌های سایر همکلاسی‌ها با عقاید گوناگونی روبه‌رو می‌شوند و درک می‌کنند ممکن است دیدگاه‌های متعددی برای یک موضوع یا حقیقت یکسان وجود داشته باشد.

۳. مسئولیت‌پذیری

یکی از شاخص‌های اصلی مردم‌سالاری داشتن تعهد و مسئولیت‌پذیری است. معلم باید وضعیتی را فراهم کند تا دانش‌آموزان در برابر یادگیری خود و دیگران احساس



مسئولیت کنند. انجام فعالیت‌ها به‌صورت گروهی و هم‌سال‌سنجی نمونه‌هایی از ایجاد زمینه برای مسئولیت‌پذیری هستند.

۴. انتخاب هوشمندانه‌ی فعالیت‌ها توسط معلم

برای اینکه دانش‌آموزان به سمت کسب شاخص‌های شهروند مردم‌سالار پیش بروند، لازم است معلم فعالیت‌های کلاسی را آگاهانه و هوشمندانه برنامه‌ریزی کند؛ مثلاً بهتر است فعالیت‌ها با مسائل و حوادث جاری ارتباط داشته باشند و به‌انجام‌رساندن فعالیت نیازمند همکاری با مقامات دولتی در سطوح گوناگون ملی و محلی باشد.

طراحی فعالیت‌های خلاقانه و دارای معیارهای متناسب با تعلیم و تربیت مردم‌سالارانه نیازمند دانش و آگاهی معلم از حوزه‌های متعدد علمی و دانش علم آموزش (پداگوژیک) است. بنابراین معلم یک کلاس مردم‌سالار باید مطالعات خود را گسترش دهد و دانش خود را دائماً به‌روزرسانی کند.

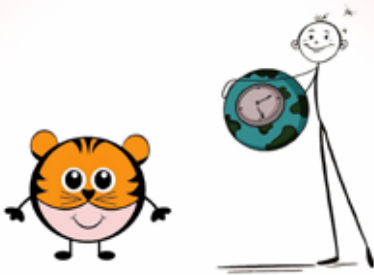
منابع

۱. رام، سمیه، (۱۳۹۳)، آثار ماندگار: دموکراسی و تعلیم و تربیت (اثر جان دیوئی)، دانشنامه‌ی ایرانی برنامه‌ی درسی.

۲. قلتاش، عباس؛ طاهری، عبدالمحمد؛ مراحل، فاطمه، (۱۳۹۳)، «دموکراسی آموزشی در مدارس و تأثیر آن بر رشد مهارت تفکر انتقادی و اجتماعی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه‌ی اول»، دوفصلنامه‌ی علمی - پژوهشی شناخت اجتماعی، (۲۳)، ۹۵-۱۰۸.

۳. جاویدی، طاهره؛ عالی، مرضیه، (۲۰۰۸)، «تحلیلی بر ابعاد و گستره آموزش غیر رسمی در تربیت شهروند دموکراتیک»، اولین همایش آموزش غیررسمی، مشهد مقدس، ایران.

امتداد قصه‌ی آب و آینه



محتوای مکمل درسی نیاز دارد. چه کسانی رویکردها را به محتوای اجرایی در درون برنامه‌ی هفتگی تبدیل کرده‌اند؟

● چه کسانی طرح و برنامه‌ی نوشته‌شده را عملیاتی کرده‌اند؟

● آیا ساختاری که این مدرسه برای معلم کارآفرین طراحی کرده بود، اجرایی شده است؟

● آیا همه‌ی معلمان در این مدرسه، بخشی از ساختار شتاب‌دهی معلم کارآفرین هستند؟ در یک نگاه کلان، معلمانی که در این مدرسه دور هم جمع شده‌اند، چه ویژگی‌هایی دارند و چگونه با هم آشنا شده‌اند؟

آن‌هایی که با زیست‌بوم اقتصاد دانش‌بنیان آشنا هستند، می‌دانند که در این زیست‌بوم برای شکل‌گیری نوآوری‌ها و شتاب‌دهی به آن‌ها، ساختارهای گوناگونی وجود دارد. نام‌های مرکز رشد، مرکز نوآوری، شتاب‌دهنده، استارت‌آپ‌استودیو، پارک علم و فناوری، صندوق پژوهش و فناوری، شرکت سرمایه‌گذاری خطرپذیر، فن‌بازار و دفتر ثبت مالکیت فکری نام‌هایی آشنا در این زیست‌بوم هستند و هر کدام نقش‌های گوناگونی دارند. برخی بیشتر بر شکل‌گیری ایده‌ی نوآورانه برای حل مسائل تمرکز دارند، برخی دیگر تمرکز خود را بر پیشگیری از سرعت ایده و آشفتنگی سرمایه‌گذاران گذاشته‌اند، برخی در پی تأمین سرمایه‌ی موردنیاز برای شکل‌گیری نوآوری‌اند و برخی نیز روی ورود نوآوری به بازار و ایجاد ثبات در بازار با افزایش تعداد مشتریان کار می‌کنند؛ مثلاً در یک مرکز نوآوری تخصصی، در حوزه‌ای مانند فناوری آموزشی، بستری فراهم می‌شود تا ایده‌های نوآورانه شکل گیرند، پرورش یابند و آماده‌ی بهره‌برداری شوند. درحالی که در شتاب‌دهنده‌ی تخصصی در حوزه‌ی فناوری آموزشی، ایده‌های موفق‌شده در مرکز نوآوری یا با قابلیت‌هایی مشابه آن، در یک برنامه‌ی فشرده‌ی مشترک عملیاتی در جریان بازاریابی قرار می‌گیرند تا به جایگاه اولیه‌ی قابل‌قبولی در بازار دست یابند. به عبارتی این دو ساختار می‌توانند به‌صورت مکمل یکدیگر نقش ایفا

● رویکرد یاددهی‌یادگیری شناختی و برساختی، برای تقویت توان و انگیزه‌ی خودیادگیری دانش‌آموزان.

● رویکرد حل مسئله‌ی ابداعی با ابزار تریز برای هدایت خودیادگیری دانش‌آموزان، بمنظور حل مسائل دنیای خود و اطراف خود در بستر یادگیری برساختی.

● رویکرد مدرسه‌ی کیفی، به‌عنوان یک ابزار مدیریتی، برای شفاف‌سازی عملکرد نهایی موردانتظار مدرسه‌ی شناختی و برساختی در سطح بینش، دانش و مهارت‌های دانش‌آموزان و شفاف‌سازی فرایندهای قابل‌اعتماد در همین راستا.

● رویکرد نظام ملی نوآوری برای شکل‌دهی رابطه‌ی مدرسه با پژوهشکده‌ها، مراکز نوآوری و شتاب‌دهی معلمی و شرکت‌های خلاق و نوآور حوزه‌ی فناوری آموزشی، در زیست‌بوم اقتصاد دانش‌بنیان، در راستای اجرای

با کیفیت‌تر فرایندهای مدرسه‌ی کیفی. حالا وقت آن فرا رسیده است از گام‌های اجرایی خود مبتنی بر این رویکردها بگوییم تا قصه‌ی مدرسه‌مان شنیدنی‌تر باشد. اگر شنونده‌ی قصه باشید، دوست دارید که قصه چه سؤالاتی را پاسخ دهد؟ احتمالاً مجموعه‌ای از این سؤالات در ذهن شما نیز دور می‌زند:

● مدرسه به برنامه‌ی هفتگی، معلم، کتاب و

دکتر سارا سلیمی‌نمین

مؤسس مدرسه، عضو هیئت علمی

دانشکده‌ی مدیریت دانشگاه صنعتی

امیرکبیر

دکتر آمنه سلیمی‌نمین

مدیر مدرسه‌ی ابتدایی و پژوهشگر تربیت

دینی

شفاف‌سازی یادگیری برساختی در قالب بازی

قصه‌ها زمینه‌ی یادگیری عمیق و درعین‌حال غیرمستقیم را فراهم می‌کنند. یادگیری از طریق قصه گاهی از یادگیری به‌واسطه‌ی مدل‌های آموزشی مؤثرتر است. در این مسیر، با شخصیت‌های هر قصه همراه می‌شویم و با همزادپنداری با آن‌ها در موقعیت‌های گوناگون، قصه‌ها را بارها و بارها زندگی می‌کنیم تا آماده‌ی ساختن قصه‌ی زندگی خود شویم.

ما هنوز بخشی از قصه‌ی نیمه‌تمام مدرسه‌ی آب و آینه هستیم که قرار است کامل شود. این مدرسه قصه‌ی خود را مبتنی بر مدل‌های علمی طرح‌ریزی کرده و از این چند رویکرد بهره برده است:



آیندازی

دی‌ماه
دوره‌ی بیست‌و‌هفتم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۲

۳۰



● **سال ۱۳۹۹:** ثبت رسمی شتاب‌دهنده‌ی «آب و آینه» و جذب معلمان از طریق این شتاب‌دهنده. معلمانی که برای بسته‌های یادگیری مبتنی بر نمودار درختی مسئله‌محور ایده و برنامه داشتند.

از اینجاست که قصه‌ی «آب و آینه» به قصه‌ی هر معلم در این مدرسه پیوند می‌خورد و با قصه‌های تک‌تک ایشان امتداد پیدا می‌کند. اینجا و در این مدرسه، معلم کارآفرینان، برای محقق کردن نمودار درختی اهداف خود یادگیرندگی، بازی‌های موجود در بازار را باز معنا می‌کنند، بازی‌های فکری جدید می‌سازند، برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان در تجربه‌ی بازی‌ها و هدایت آن‌ها از یک بازی به بازی دیگر در مسیر خود یادگیرندگی، شخصیت‌ها و موقعیت‌هایی از بازی‌ها را در هر موقعیت خلق و در نهایت برخی از ماجراها را با تصویرسازی متحرک به بخشی از محتوای دیداری دانش‌آموزان تبدیل می‌کنند.

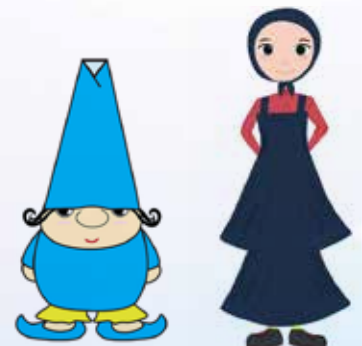
در اینجا، در دوره‌ی ابتدایی اول، درس فارسی به ماجراهای مانا و پایا تبدیل می‌شود؛ همان خواهر و برادری که در پایه‌ی اول برای رمزگشایی از نوشته‌ها یا برای نوشتن کلمات و جملاتی که نیاز دارند، از دسته‌ی کارت‌های بازی رمزگشایی حروف با نام‌های «حرف»، «بی حرف»، «همتا»، «کلمه‌چین» و ... استفاده می‌کنند. در پایه‌ی دوم، مانا و پایا برای ساخت کلمات ترکیبی و در پایه‌ی سوم برای استفاده از ساختارهای مناسب برای انتقال پیام، از بازی‌های «جلوه»، «زمره‌یاب»، «سرخ» و ... استفاده می‌کنند. درس ریاضی با شخصیت «آرام» پیش می‌رود. آرام دختری است که صدای اشیا را می‌شنود و در دنیای ناآرام، آرام به دنبال الگوها و نظام اعداد می‌گردد تا نظم مورد نیاز اشیا را دوباره به آن‌ها بازگرداند. «کلاهی» هم شخصیت اصلی درس علوم می‌شود تا با حل معماهای طبیعت، خود را برای اختراع کردن آماده کند. «بی‌پاک» در مجموعه‌ی گرد دنیای گرد، به مسائل اطراف خود می‌نگرد و ایده‌های خود را برای حل آن‌ها در زمان درس پروژه مطرح می‌کند. «انگشت‌دانه» سر انگشت دختری می‌شود که ایده‌های خود برای آشتی انسان و طبیعت را در قاب کارهای هنری ارائه می‌کند. «امین و مینا» با گفت‌وگوهای خود در مورد نیازهای موجود در سبک زندگی خود و دوستانشان، اخلاق، احکام و آداب زندگی را بازکشف می‌کنند و ایده‌هایی برای به کارگیری آن‌ها دارند.

کند. عموماً مراکز نوآوری و شتاب‌دهنده‌ها برای بالابردن موفقیت ایده‌ها و شرکت‌های نوپا، یا به صورت تخصصی کار می‌کنند یا واحدهای تخصصی دارند تا نوآوری‌های خاص یک حوزه، بتوانند تحت برنامه‌ی ویژه‌ی مورد نیاز مشتریان و بازار همان حوزه، رشد بیابند و بالغ شوند. جالب است که یک مرکز نوآوری و یک شتاب‌دهنده‌ی تخصصی، علی‌رغم تفاوت‌هایشان، می‌توانند به دو صورت مشابه مدیریت شوند؛ اینکه دستشان در پذیرش هر ایده‌ی مرتبط با حوزه‌ی تخصصی خود باز باشد یا اینکه فقط ایده‌های عملیاتی مرتبط با حلقه‌ی مسئله‌هایی را که توسط تیم تخصصی درونی آن‌ها شناسایی و تحلیل شده است، بپذیرند و اطلاعات تخصصی آن‌ها روی میز مسئله‌ها وجود داشته باشد. رویکرد دوم در مدیریت مرکز نوآوری و شتاب‌دهی به عنوان رویکرد استودیویی شناخته می‌شود و معمولاً درجه‌ی موفقیت یک هسته یا شرکت نوپا را بالاتر می‌برد.

مدرسه‌ی ما قصه‌ی خود را در شکل‌دهی مرکز نوآوری و شتاب‌دهی، در قالب استارت‌آپ استودیو، پایه‌ریزی کرده و قصه با گام‌های بعد ادامه پیدا کرده است:

● **سال ۱۳۹۷:** شکل‌گیری گروه تخصصی مرکز نوآوری و شتاب‌دهی، برای شفاف‌سازی مسئله‌ها، در پایه‌ریزی و اجرای مدل یاددهی یادگیری رفتاری، شناختی و برساختی. این امر با تمرکز بر دستیابی به هدف دانش‌آموز خود یادگیرنده با توان حل مسائل خود و دنیای پیرامون صورت گرفته است.

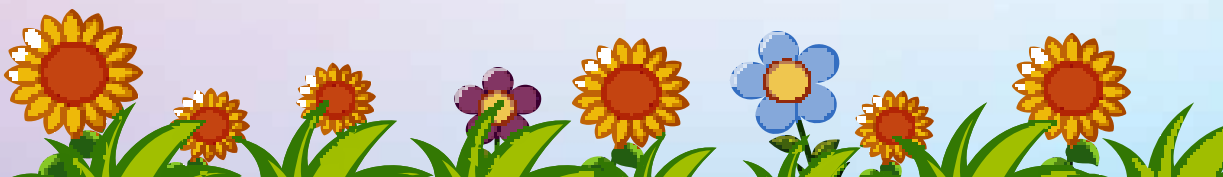
● **سال ۱۳۹۸:** دستیابی به منطق نمودار درختی مسئله‌محور برای باز معنا کردن اهداف درس‌ها به صورت تفکیکی و تلفیقی. این مهم در راستای دستیابی به دانش‌آموز خود یادگیرنده با توان حل مسائل خود و دنیای پیرامون برنامه‌ریزی شده است.



«جهانگرد کوچک»، در مجموعه‌ی زمین و زمان، مفاهیم زندگی اجتماعی را متناسب با درس اجتماعی، در قالب بازی فکری تجربه می‌کند.

دوره‌ی دوم ابتدایی، در این مدرسه، دوره‌ی بازی‌های چالشی محیطی است. در پایه‌ی چهارم، «فراز و فرود» از کودکان سیستان هستند که برای حل مسائل روستای خود، از محتوای نوشته‌شده در کتاب‌هایشان استفاده می‌کنند. در پایه‌ی پنجم، کارآفرینی نوجوان از حل مسائل کسب و کار خود می‌گوید و این ماجرا ادامه دارد.

اینجا در این مدرسه، دانش‌آموزان در سرزمین خود یادگیری در کنار قصه‌ها با گام‌های خود پیش می‌روند و هر معلم به بهبود بازی‌ها و داستان‌ها فکر می‌کند تا راهی را برای خود یادگیری عمیق‌تر دانش‌آموزان پیدا کند. معلم کارآفرینان این مدرسه بسیار صبورند. از زمان ساخت بازی و قصه‌های اولیه تا رسیدن به طرح درس‌هایی اجرایی در هر مدرسه توسط هر معلم، حداقل سه سال زمان می‌برد و این است که هر معلم در این مدرسه بخشی از قصه‌ی مدرسه می‌شود، وقتی بارها و بارها، بازی‌هایش را برای پوشش اهداف نمودار درختی مسئله‌محور هر پایه‌ی درسی تغییر می‌دهد و قصه‌های جدید می‌سازد.



مهتری نظریان

آموزگار پایه ی پنجم،

منطقه ی شهر قدس



روش تدریس مبتنی بر «ایفای نقش» سبب فراگیری مهارت‌های نوین، تحریک خلاقیت و بهبود ارتباطات می‌شود. در این روش تدریس، نخست موضوعات و درس‌هایی انتخاب می‌شوند که برای نمایش مناسب‌اند. پس از انتخاب موضوع، عده‌ای آن را به صورت نمایشی کوتاه اجرا می‌کنند و عده‌ای هم به مشاهده می‌نشینند. در طی فرایند اجرا، فراگیرندگان با ایفاگران نقش و عملیات نمایش ارتباط عاطفی برقرار می‌کنند. فراگیرندگان با هیجان، موضوع درس را دنبال و خود را در جریان نمایش احساس می‌کنند و چون مجموعه‌ی قوای حسی فراگیرندگان فعال می‌شود، یادگیری سرعت می‌یابد. روش تدریس مبتنی بر ایفای نقش سبب کشف روابط انسانی می‌شود و فراگیرندگان با همیاری یکدیگر احساسات، نگرش‌ها، ارزش‌ها و راهبردهای حل مسئله را در می‌یابند. این نوع روش تدریس ریشه در ابعاد شخصی و اجتماعی آموزش و پرورش دارد و موجب فهم دقیق شخص از خود و دانش خویش، ایجاد پاسخ‌های اثرگذار و سازنده، درگیر شدن با مسائل به صورت عملی و امکان درک تجربه‌ای مردم‌سالارانه می‌شود.

نکاتی پیرامون روش تدریس

مبتنی بر ایفای نقش

- در این مسیر، لازم است معلم دانش‌آموزان را لحظه‌به‌لحظه در جریان ایفای نقش همراهی کند و از دانش‌آموزانی کمک بگیرد که به یکدیگر حس خوبی دارند.

- این روش با اینکه روال نمایشگری را دنبال می‌کند، مبتنی بر ماجرای مکتوب و از پیش تعیین شده نیست.
- فعالیت‌های انجام‌شده در این روش، یادگیرندگان را تا پای واقعیت یا آنچه



نمایش در کلاس

روش تدریس مبتنی بر ایفای نقش

ارائه دهیم و به اجرای آزمایشی نمایش بپردازیم.

۲. بیان اهداف به دانش‌آموزان: باید برای دانش‌آموزان اهداف اجرای این نمایش را بیان کنیم و فعالیت‌ها و تکالیفی را که در شرف انجام است نیز توضیح دهیم.

۴. اجرای نمایش: بازیگران باید مطابق دستورالعمل داده‌شده و متن نمایش به ایفای نقش بپردازند.



۵. طرح سؤال: با توجه به رخدادها نمایش، سؤالاتی را مطرح می‌کنیم. سؤال‌ها باید دانش‌آموزان را به هدف نمایش که همان مبحث درسی موردنظر است، هدایت کنند.

۶. توضیح و تعیین تکلیف: باید توضیحاتی بر مبنای تجربه‌ی دانش‌آموزان از زندگی، برای بسط تجربه‌ی آن‌ها، ارائه و سپس تکالیفی برای آنان تعیین کنیم.

می‌کند، اظهارنظرها را بر حق می‌داند و از پیش‌داوری خودداری می‌کند، بازیگران را برمی‌گزیند و در مورد فعالیت‌های لازم تصمیم می‌گیرد و تعیین می‌کند که در جست‌وجوی چه چیزهایی باید بود. معلم با طرح انواع سؤالات و تکلیف‌های ارائه‌شده به پرورش رفتار جست‌وجوگری و حل مسئله مبادرت می‌ورزد.

۳. الگوهای واکنشی معلمان: در حین اجرای این روش، معلم باید پاسخ‌ها و پیشنهادها را از دانش‌آموزان را که از افکار و احساساتشان برمی‌آید بپذیرد، به‌نحوی به آن‌ها پاسخ دهد و دانش‌آموزان را برای بررسی مسئله از جوانب متعدد باری کند. سپس معلم باید با تأمل، تغییر و خلاصه‌سازی پاسخ‌های دانش‌آموزان آگاهی و دانش و نگرش آنان را افزایش دهد. معلم همچنین باید این اطمینان را به دانش‌آموزان بدهد که خودشان می‌توانند، به‌گونه‌ای متفاوت، با نقش موردنظر به نقش‌آفرینی بپردازند.

منابع و شرایط اجرای روش تدریس ایفای نقش

- لزوم برنامه‌ی درسی مبتنی بر مسئله.
- استفاده از فیلم و داستان به‌عنوان بهترین منابع در این زمینه.
- تهیه‌ی برگه‌ی کار و شرح فعالیت‌ها مربوط به هر نقش.
- تهیه‌ی برگه‌ی کار برای مشاهده‌گرها.

مراحل اجرای روش تدریس مبتنی بر ایفای نقش

۱. انتخاب بازیگران: بازیگران باید بتوانند متن انتخاب‌شده را به‌خوبی حفظ و بیان کنند و بدون فشار روانی (استرس) توانایی بازیگری را داشته باشند.

۲. آماده‌سازی: به بازیگران باید نقش‌ها و ماهیت آن‌ها را نشان دهیم، فضای نمایشی را تشریح کنیم، متن نمایش را

هست پیش می‌برد.

- روش ایفای نقش پلی است بین حرف و عمل و جریان مناسبی است برای انواع دست‌ورزی، جست‌وجوگری و مهارت‌یابی.
- این روش تدریس برای همه‌ی دانش‌آموزان در هر سطح از پیشرفت تحصیلی که باشند، سودمند است.
- ایفای نقش در این روش فقط به‌معنای به اجرا درآوردن نقش نیست؛ بلکه تجربه‌ی رویارویی با انواع موقعیت‌هاست. دانش‌آموزان در جریان این نقش، موقعیت‌ها یا ایده‌ها و مهارت‌هایی را بررسی و اقدام به فهم آن می‌کنند.

نکاتی پیرامون مفهوم نقش

- مفهوم «نقش» یکی از مبانی نظری و محوری در این نوع روش تدریس است که باید به دانش‌آموزان آموخته شود.
- هر کس در برخورد با مردم، خود، موقعیت‌ها و اشیاء شیوه‌ی خاصی دارد که در کنار برداشت‌هایی از خود و دیگران، منظومه‌ی رفتاری خاص خود را می‌سازد. هر رفتاری که شخص از خود نشان می‌دهد، مبین نقشی است که ایفا می‌کند. هر نقش توالی منظم احساسات، واژگان و فعالیت‌هاست.
- نقش هر فرد منحصر به فرد و متأثر از عواملی است که در طول سالیان دراز از طریق کسب دانش و تجربه به دست آمده است.

نکات قابل توجه در روش تدریس مبتنی بر ایفای نقش

۱. انتخاب یک موقعیت مناسب مسئله: مناسب‌ترین مسئله‌ای که در این روش تدریس انتخاب می‌شود، به سن ایفاگران نقش، تجربه‌ی آن‌ها، زمینه‌ی فرهنگی و مطلوبیت خود موضوع بستگی دارد. در انتخاب موقعیت‌ها نیز به شأن اجتماعی افراد، گروه‌ها و اقلیت‌ها باید توجه شود؛ مثلاً موقعیت‌های مأنوس برای دانش‌آموز روستایی و دانش‌آموز شهری متفاوت است و توجه به آن ضروری است.

۲. نظام رفتاری معلم: در شروع کار، معلم انتخاب مسئله می‌کند و شرایط تبادل نظر دانش‌آموزان را در خصوص نمایش و نقش‌ها ایجاد و بحث‌ها را هدایت

باغ دانایی



زهره حمیدی
آموزگار پایه‌ی سوم، منطقه‌ی
فولادشهر اصفهان

اواخر فروردین بود و خنکای هوای بهاری و استشمام عطر خوش گل‌ها و سبزی درختان دبستان، شور و نشاط مضاعفی در نهاد شکوفه‌های باغ دانایی و دانش نهاده بود که مدیریت و مهار آن‌ها انرژی بالایی می‌طلبید.

زنگ تفریح دوم بود. بچه‌ها را که در حیاط مدرسه با مقنعه‌های سفیدشان از پنجره‌ی طبقه‌ی دوم نگاه می‌کردی، همچون پروانه‌های سفیدی می‌نمودند که تازه از پیله در آمده و از دیدن این وسعت آزادی به وجد آمده بودند و به هر طرف می‌دویدند.

از پشت پنجره به این فکر می‌کردم که این طفلکی‌ها چقدر در دوران کرونا و کلاس‌های مجازی از این شوروشوق به دور بودند. یادم آمد چقدر دلتنگ دیدن این لحظات بودم. هر چقدر هم سخت باشد؛ ولی باز هم دلم این حال‌وهوا و این صدای قیل‌وقال دانش‌آموزان را می‌خواست. بارها در آن ایام وقتی به

مدرسه می‌آمدم و سکوت غم‌انگیز کلاس‌ها و فریاد بی‌صدای دیوارهای مدرسه را حس می‌کردم، گویا روح مدرسه گریه می‌کرد، انگار دلش تنگ شده بود و من این دلتنگی را با تمام وجودم حس می‌کردم و خودم گاهی اشک می‌ریختم. آری، روح من در مدرسه حل شده است و دیدن این صحنه‌ها چقدر به روحم جلا می‌داد.

یک لحظه در دلم خواستم کاش زمان در این حال متوقف شود تا نوگلان دانش و دانایی سیراب شوند و تشنگی آن روزها بر طرف شود. به خودم آمدم. در دلم گفتم: «خدایا شکر که آن لحظات آخر شد، الهی برگردد آن ایام!»

صدای زنگ کلاس بلند شد و پروانه‌های باغ دانایی به سمت کلاس‌ها روانه شدند. کمی بعد، هر کدام در جای خود، چون پروانه‌های روی گل، آرام گرفته بودند و با ورود معلم به پا خاستند.

بریا، برجا، خانم گلم بفرما. زنگ فارسی بود. پس از مقداری روان‌خوانی، نوبت تدریس واژه‌آموزی بود. از روی کتاب خواندم: «بچه‌ها، خطرناک یعنی...». و با ماژیک نوشتیم: «خطر+ ناک می‌شود...»

ناگهان شاگردم پرنیا را در کنار خودم دیدم. پرنیا همیشه آرام و مؤدب بود و هیچ‌وقت اعتراضی یا گزارشی از او ندیده و نشنیده بودم. دقیق‌تر نگاهش کردم، چشمان درشتش پر از اشک بود. ماسک زده بود و چهره‌ی معصومش پیدا نبود. پرسیدم: «چیزی شده عزیزم؟»

گفت: «خانم، توی حیاط بازی می‌کردیم. خوردم زمین» و اشک‌هایش روانه شد (تقریباً ده دقیقه از کلاس گذشته بود).

از دیدن اشک‌هایش ناراحت شدم. از همان روزهای اول معلم‌شدنم، تحمل دیدن گریه‌ی بچه‌ها را نداشتم. با خودم فکر کردم چطور از همان اول وقت که وارد شدم، این دختر چیزی به من نگفته است؛ مثل بقیه‌ی بچه‌ها که تا اتفاقی می‌افتاد، سریع به من گزارش می‌دادند. پرنیا ساکت نشست و تا آن لحظه چیزی به من نگفته بود. به هر حال ذهنم را متوجه پرنیا و مظلومیت نگاهش ساختم. فکری به ذهنم رسید؛ باید خواستش را پرت و دلش را شاد می‌کردم.

گفتم: «پس توی حیاط بازی خطرناک انجام می‌دادی؟!» با گریه گفت: «خانم، گرگم به هوا». پرسیدم: «لان کجای بدنت دردناک



شده؟»

صدای مهمهمی بچه‌ها بلند شد.
گفت: «خانم، همه جای بدنم درد
می‌کنه.»
گریه‌هایش کمی شدیدتر شد. در
آغوشش کشیدم.
- بله، پس دردناک یعنی بدنت درد
داره.

پایش را نشان داد. کمکش کردم.
لباسش را بالا کشیدم و زانوبش را
که زخم بدی بر داشته بود، دیدم.
خیلی ناراحت شدم.

گفتم: «وای پرنیا جان! الان این زخم
خیلی سوزناک شده.»

صدای خنده‌ی بچه‌ها و تکرار کلمه‌ی
سوزناک در فضای کلاس پیچید.

گفت: «بله خانم، خیلی سوز می‌زنه.»
لبخندی در کنار گریه‌هایش نشست.

رو به بچه‌های کلاس کردم و گفتم:
«بچه‌ها، زخمش خیلی سوزناک

شده؛ یعنی...» «بچه‌ها پاسخ دادند:

«یعنی زخمی که سوز می‌زند.» باز
رو به پرنیا کردم: «پرنیا جان، الان

حالت خیلی غمناک شده؟» پرنیا با
لبخندی که بر لب داشت، سرش را

به نشانه‌ی آره تکان داد.

این وسط، بچه‌ها که متوجه
منظور من شده بودند، هر بار با

به‌کاربردن واژه‌ی «ناک» در کلمات
که با درس موضوعیت پیدا کرده بود،

می‌خندیدند و با من واژه را تکرار
می‌کردند.

پرنیا هم که خیلی زود گریه‌هایش به
خنده تبدیل شده بود، درس را فهمیده

و حالش بهتر شده بود.

کمی بعد، پرنیا را با همیار کلاس
به دفتر مدرسه فرستادم. زخمش

پانسمان شد و با حال خوب به کلاس
برگشت. من دلتنگ همین لحظات و

خاطرات خوش و ناخوش مدرسه بودم.

ماهی

پولک کاغذی

فن مورد استفاده:

حجم‌سازی با کاغذ مجاله شده



فاطمه قاسمی

سرگروه آموزشی استان فارس

مهوش افروغ

معاون آموزشی مدرسه ابتدایی

مهارت‌های حرکتی برای انجام کارهای روزمره مثل پوشیدن لباس، بستن دکمه، استفاده از ظرف غذا، نوشتن و کار با قیچی بسیار مهم است. ما در زندگی روزمره آن قدر به راحتی از مهارت‌های حرکتی استفاده می‌کنیم که به خوبی درک نمی‌کنیم تمام فعالیت‌هایی که انجام می‌دهیم، نیاز به کسب مجموعه‌ای از مهارت‌ها و استفاده از عضلات خاص دارند که باعث تمرین دست‌ورزی می‌شوند. دست‌ورزی توانایی استفاده‌ی دقیق و دست‌کاری اشیاء، ابزار و استفاده‌ی صحیح از انگشتان برای انجام کارها و وظایف محول شده است. قدرت انگشت یکی از مهم‌ترین توانایی‌های زیربنایی است که میزان مهارت دست‌ورزی کودک را نشان می‌دهد. این توانایی برای حفظ موقعیت‌یابی مؤثر انگشت برای حرکات بسیار دقیق نیاز است و بیشتر کارهای حرکتی ظریف (مانند نقاشی کردن، نوشتن، برش‌دادن) را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ناتوانی در این مهارت بر توانایی کودک در غذا خوردن، نوشتن مرتب، استفاده از رایانه و انجام کارهای مراقبت شخصی مانند لباس پوشیدن و نظافت تأثیر می‌گذارد. علاوه بر آن، این ناتوانی می‌تواند در توانایی کودک برای نمایش ظرفیت فکری خود روی کاغذ تأثیر بگذارد.

مچاله کردن کاغذ یکی از مؤثرترین راهکارها برای تقویت ماهیچه‌های دست کودک است. این تمرین به بهبود دست‌خط کودک نیز در طول زمان کمک بسیار زیادی خواهد کرد.

در این فعالیت هنری با استفاده از فن حجم‌سازی با کاغذ مجاله، علاوه بر انجام یک فعالیت هنری دلچسب، به تقویت انگشتان دست نیز کمک خواهیم کرد. با ما همراه باشید.



مراحل ساخت
ماهی پولک کاغذی



آب و هوا
ابتدایی

دی ماه

دوره‌ی بیست و هفتم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۲

۳۶



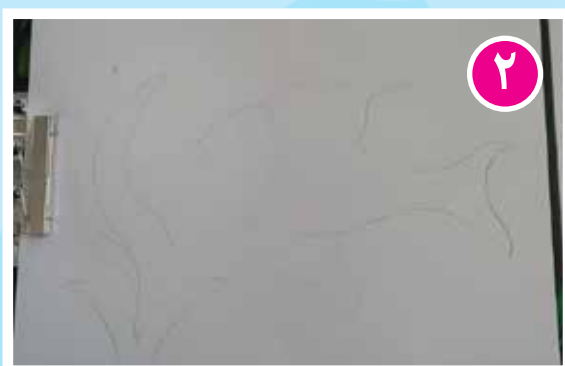
اگر هر قسمت از کار را با یک رنگ جدا کنیم، کار جلوه‌ی زیباتری پیدا می‌کند.



برای انجام این فعالیت ابتدا طرح اصلی را روی مقوا یا کاغذ A4 ترسیم می‌کنیم. ما در اینجا تصویر یک ماهی را در نظر گرفته‌ایم.



بعد از اتمام چسباندن کاغذهای مجاله‌شده، تصویری برجسته و بسیار زیبا خواهیم داشت.



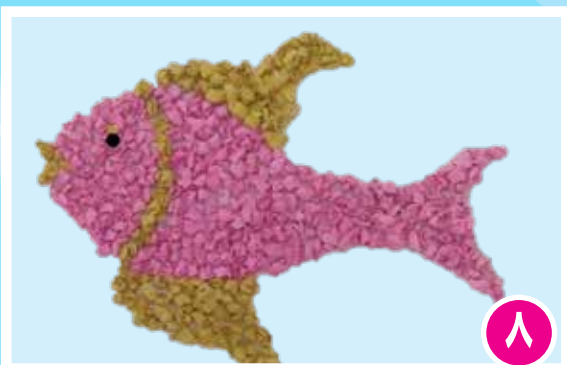
سپس با استفاده از قیچی و رنگ‌های متنوعی از کاغذ، برش‌های کاغذی کوچکی ایجاد و آن‌ها را با دست مجاله می‌کنیم. هرچه برش‌ها کوچک‌تر و میزان مجاله‌کردن بیشتر باشد، ظرافت کار شما بیشتر خواهد شد.



حجم‌سازی زیبای شما آماده شده است.



سپس با استفاده از چسب، قطعات کوچک مجاله‌شده را روی قسمت‌های گوناگون تصویر می‌چسبانیم و حجم هر قسمت را پر می‌کنیم.



نشریه‌ی خاک

تجربه‌ی تولید نشریه‌ی دانش‌آموزی در راستای ایجاد کلاسی پویا

فاطمه عزیزی، آموزگار پایه‌ی پنجم ابتدایی
شهرستان شهریار

جدید) طراحی و با کمک دانش‌آموزان آن را تولید کردیم.

مهم‌ترین نکته در ایجاد نشریه‌ها انتخاب موضوع و عنوان اصلی نشریه است. چراکه هم مخاطب و هم مجریان طرح کودکان ابتدایی هستند. بنابراین سادگی و درک‌پذیری بودن جملات، شاد بودن تصویرها و آموزنده بودن مطالب از نکات حائز اهمیت است. معیار انتخاب موضوع اصلی همه‌ی نشریه‌ها، برگرفته از مسائل روز جامعه، مطالب کتاب‌های درسی و تجربه‌های فراگیرندگان است. حتی نام گروه‌های درسی نیز تحت‌تأثیر این موارد است (مانند نشریه‌ی مشاغل). شیوه‌ی اجرای طرح در این سه نشریه تقریباً یکسان است. بنابراین در اینجا نحوه‌ی شکل‌گیری یک نشریه را بیان می‌کنم.

در اجرای این برنامه، در وهله‌ی اول باید دانش‌آموزان کلاس و اعضای نشریه مفهوم نشریه را بشناسند و تفاوت آن را با روزنامه‌دیواری بدانند. آن‌ها باید درک درستی از نشریه و مطالب آن داشته باشند تا بتوانند مخاطبان به‌خصوص همسالان خود را تحت‌تأثیر قرار دهند و انتقال مفاهیم به‌شایستگی صورت گیرد. بدین‌منظور در طی دو جلسه در مورد پروژه، نشریه، مفهوم آن، انواع نشریه و شیوه‌ی کار به‌طور ساده صحبت کردم و نمونه‌کار بچه‌های قبلی را نشان دادم. سپس از دانش‌آموزان کلاس دعوت به همکاری کردم. استقبال بچه‌ها خوب بود. از ابتدای سال تحصیلی توانایی و استعداد دانش‌آموزان را رصد می‌کردم و بر اساس شناخت حاصل‌شده، گروه‌های اصلی نشریه را مشخص کردم. این گروه‌ها عبارت بودند از: طراحان، شورای نویسندگان، سردبیر، مدیرمسئول نشریه و مدیر اجرایی. بدین ترتیب شناسنامه‌ی کار مشخص شد. نقش هر کدام از این افراد توضیح داده شد تا بچه‌ها بدانند چه کنند و چه انتظاری مدنظر است.

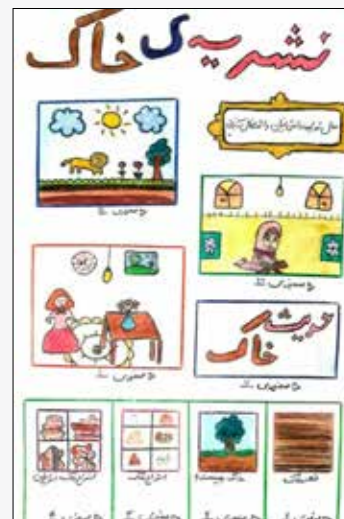
در مرحله‌ی بعد عنوان و موضوع نشریه (خاک) انتخاب شد. پس از مشخص شدن موضوع نشریه، با همفکری بچه‌ها مباحث مرتبط با موضوع خاک را مشخص کردیم:

کسب آگاهی به آن‌ها از مهم‌ترین این اهداف است. در این طرح، همچنین به مقوله‌های چگونه نوشتن، نحوه‌ی تحقیق صحیح و تولید محتوای متنی ساده و اثرگذار نیز توجه شده است. تقویت کار گروهی و گفت‌وگو علمی نیز از اهداف دیگر طرح است.

نخستین بار جرعه‌ی ذهنی طرح نشریه‌ی دانش‌آموزی، در سال ۱۳۹۶، هنگامی زده شد که در شهرستان بهارستان (۱) آموزگار بودم. اولین نشریه‌ی کلاس ما تحت‌عنوان نشریه‌ی آب طراحی و به سرانجام رسید. سال بعد نشریه‌ی مشاغل با دانش‌آموزان جدید شکل گرفت.

با شیوع بیماری کرونا وقفه‌ای در آموزش حضوری مدرسه رخ داد و امکان ادامه‌ی پروژه‌ی دانش‌آموزی (نشریه‌ی جدید) نبود تا اینکه در سال تحصیلی‌ای که گذشت، سومین نشریه را با نام نشریه‌ی خاک در شهرستان شهریار (محل خدمت

یکی از دغدغه‌های هر آموزگاری ایجاد انگیزه و شوق یادگیری در دانش‌آموزان با هر توانمندی است تا کلاسی پویا و شاداب داشته باشد. به همین منظور، هر معلم هر سال تلاش می‌کند بنا به وضعیت کلاس، ایده‌های خلاق و جدید مطرح کند. طرح علمی فرهنگی نشریه‌ی دانش‌آموزی برای پایه‌ی ابتدایی از جمله‌ی این طرح‌هاست. اجرای این طرح در مناطق محرومی که خدمت کردم کار جدیدی محسوب می‌شد. بچه‌ها در این زمینه تجربه‌ی انداختند و بیشتر با روزنامه‌دیواری ساده مطالبشان را ارائه می‌کردند. در اجرای این پروژه، اهدافی مدنظر بوده است که در طول این نوشتار به آن اشاره خواهد شد. تقویت اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان و توجه به مسائل روز جامعه و فرهنگ ایرانی و



در راستای این اهداف مهم نام یکی از گروه‌ها «خاک وطن» نام‌گذاری شد و دانش‌آموزان مطالب و قطعه‌فیلم‌های ارزشمندی در این باره تهیه کردند. با انجام این طرح، دانش‌آموزان متوجه شدند یک نشریه نسبت به روزنامه‌دیواری محتوای دقیق‌تر و اندازه و شکل متفاوت‌تری دارد. در ادامه روند کار، نسخه‌ای از نشریه به اداره‌ی آموزش و پرورش منطقه‌ی شهریار ارسال شد و حال در پایان سفر خود، پس از طی رشد و بالندگی، به مجله‌ی وزین «رشد» راه یافته است تا ضمن به اشتراک گذاشتن تجربه‌های این پروژه، از تجربه‌ی همکاران محترم نیز استفاده کنیم.



دانش‌آموزان در کلاس درس با همکاران خود مشورت می‌کنند.

دانش‌آموزان در کلاس درس با همکاران خود مشورت می‌کنند.

دانش‌آموزان در کلاس درس با همکاران خود مشورت می‌کنند.

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ۳ | خ | ت | ن | ت |
| ۴ | ش | ک | ا | ف |
| ۵ | غ | ا | ک | |
| ۶ | س | خ | د | ه |
| ۷ | ت | ا | ر | س |
| ۸ | ۳ | خ | ل | و |
| ۹ | ب | ی | ش | ت |

متناسب با عنوان‌ها را انجام می‌دادند. همان‌طور که می‌دانید یادگیری با انجام کار، در قالب یک تیم، به دانش‌آموز کمک می‌کند تا انواع مهارت‌های اجتماعی مانند صبر، همدلی، احترام به یکدیگر، ارتباط و سازش و تحمل را در خود تقویت کند. بالاخره با همکاری بچه‌ها نشریه شکل گرفت و به دنیای آن‌ها پا گذاشت. موضوع به اطلاع مدیریت دبستان رسید. ایشان استقبال و به تمام دانش‌آموزان کلاس جوایزی اهدا کردند. نشریه‌ی خاک نیز در گروه مدرسه و گروه مدیران قرار داده شد. خوشبختانه بازخوردها خوب و درخور توجه بوده و بیشتر اهداف موردنظر حاصل شده است، از جمله شکل‌گیری نگاه دقیق‌تر و احترام‌آمیز دانش‌آموزان به مقوله‌ی خاک از جنبه‌های اقتصادی، کشاورزی و محیط‌زیست و همچنین آگاهی از معادن و صنعت و... بازسازی یک سانتی‌متر خاک زمان طولانی دو قرن را به دنبال دارد. پس چه بهتر که از راه‌های صحیح مراقبش باشیم. تقویت احساسات و عرق ملی به «خاک وطن» و دست‌یافتن به این مهم که وجود «ایران» از ابعاد مهم هویت ملی ماست و حفاظت از آن به هر شکل ممکن (علمی، فرهنگی اقتصادی، سیاسی و نظامی) اهمیت ویژه‌ای دارد، از دیگر اهداف این پروژه بودند.

خاک چیست؟ انواع خاک در جهان و ایران، خاک در قرآن، حدیث و سخن بزرگان، ضرب‌المثل، شعر در مورد خاک، اهمیت خاک بر زندگی موجودات و انسان، تأثیر خاک بر روان و جسم کودکان، طراحی جدول کلمات (این مورد یکی از تکالیف کلاسی بود)، عکس و نقاشی با موضوع خاک و... قرار شد همه بنا به توانایی خود تحقیق کنند و مطالبشان را به کلاس ارائه دهند و هنگامی که تمام مطالب گردآوری شد، آن مطالب در شورای نویسندگان بررسی شود تا ضمن اصلاح و رفع اشکالات، متنی ساده و قابل‌درک برای کودک ابتدایی آماده و در عین حال جنبه‌ی علمی و امانت‌داری مطالب نیز حفظ شود. در این حین، چارچوب و اندازه و تعداد صفحات نشریه و ترتیب مطالب نیز تعیین شد. کار روی نشریه تقریباً دو ماه و اندی به طول انجامید. جمع‌آوری اطلاعات و کار گروهی در مدرسه زمان‌بر است. بچه‌های گروه در ساعت‌های هنر در نمازخانه مشغول به کار می‌شدند. دیدن جدیت، نشاط و استعداد بچه‌ها زیباست و جای سپاسگزاری دارد. در حین انجام کارها، گفت‌وگوهای لازم انجام می‌شد و در صورت نیاز بچه‌ها از راهنمایی آموزگار بهره می‌بردند. در نهایت نویسنده‌ی اول متن‌های دسته‌بندی‌شده را در صفحات و چارچوب موردنظر می‌نوشت. طراحان و تصویرگران نیز نقاشی و رنگ‌آمیزی



قسمتی از شعر مقاله با مضمون خاک

فاک بازی، دوست دارم
 که با آن گل بسازم
 می‌فواهم که با گل
 فانه‌ای فوشگل بسازم
 فاک پیز فوی است
 می‌شود گل توی آن کاشت
 کوچه‌های شهر ما، کاش
 فانه‌های بیشتری داشت
 شهر ما با این شلوغی
 بوده یک روزی بیابان
 فاک‌هایش رفته هالا
 زیر فانه یا بیابان

و اما معلمی ...

خانم فائزه تاجیک راد

آموزگار پایه‌ی پنجم و ششم ابتدایی، ورامین

اشاره

معلمی یکی از بهترین شغل‌ها در جهان است؛ اگرچه سخت و پر از فشارهای روانی باشد. ممکن است شما همیشه برای همهی دانش‌آموزانتان محبوب نباشید و حتی شاید در روزهای اول حضورتان در کلاس، دانش‌آموزان با خود فکر کنند که شما دشمن آن‌ها هستید. کمی زمان می‌برد تا آن‌ها شما را در قالب دوست بپذیرند و دوست‌تان داشته باشند و برای بقیه‌ی زندگی خود در خاطر بسپارند. معلم خوب بودن مثل قهرمان زندگی بچه‌ها بودن است. وقتی که شما به آن‌ها درس می‌دهید، فشار کاری واقعاً بالاست و ممکن است گاهی از شما سوءاستفاده شود؛ اما دلایل زیادی نیز وجود دارد که ثابت می‌کند شغل معلمی شگفت‌انگیز است.

۱. یک معلم همیشه در ارتباط با بچه‌هاست و همین موضوع باعث می‌شود که وی در زندگی خود احساس جوانی کند و سبک زندگی خود را به‌روز نگه دارد. سبک زندگی شما برای برقراری ارتباط خوب با دیگران اهمیت دارد. هنگامی که با جوانان زمان می‌گذرانید، جوان می‌مانید و خوش حال می‌شوید.

۲. معلم بودن مانند رهبری کردن است. شما می‌توانید تغییرات خوبی در زندگی دانش‌آموزانتان ایجاد و زندگی را برای آن‌ها بهتر کنید؛ البته شاید این تأثیر برای شما واضح نباشد. بسیاری از کودکان در کلاس به شما علاقه دارند و هنگامی که به آن‌ها توصیه‌ای می‌کنید، آن‌ها به حرفتان گوش می‌دهند. همین توصیه‌ها می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا به هدف خود برسند. هنگامی که شاگردانتان در زندگی خود موفق می‌شوند، به فرزندان خود نیز آموزش خواهند داد و این‌گونه چرخه‌ی تأثیرگذاری

شما ادامه خواهد داشت.

۳. یک معلم همیشه در حال یادگیری است؛ زیرا باید مهارت‌های جدیدی مثل آرام و ساکت کردن بچه‌ها، پایان دادن به دعوا، آشنایی با هنرها و صنایع دستی، مشاوره و... را یاد بگیرد. بنابراین شما می‌توانید والدین خود را یاد معلم از این طریق مهارت‌های زیادی را یاد خواهید گرفت و می‌توانید والدین خوبی برای فرزندان خود باشید.

۴. یک معلم به‌ندرت حوصله‌اش سر می‌رود؛ زیرا روزهای مشابهی ندارد. از آنجا که معلم‌ها ماجراهای متنوعی را هر روز خواهند داشت، هر روز برایشان روز جدیدی است.

۵. یک معلم می‌تواند رابطه‌ی خوبی با دانش‌آموزان خود داشته باشد و این همکاری خوب باعث می‌شود که شخصیت او تبدیل به شخصیت یک قهرمان برای دانش‌آموزان بشود. این‌گونه یک معلم تبدیل به الگو و قهرمان می‌شود. اگر دانش‌آموزان از معلم

خود خوششان بیاید، آن‌ها به‌عنوان یک الگو به او نگاه خواهند کرد و کاری را که او انجام می‌دهد، انجام می‌دهند. بنابراین هر معلم باید در رفتارش بسیار دقیق باشد؛ زیرا دانش‌آموزان از او تقلید خواهند کرد. بعضی از آن‌ها حتی تصمیم می‌گیرند که در آینده معلم شوند.

۶. همان‌طور که معلم به شاگردانش تدریس می‌کند، آن‌ها نیز به معلمشان آموزش خواهند داد. کودکان معصوم هستند و به ما بزرگ‌ترها آموزش می‌دهند که چگونه پاک باشیم.

۷. از آنجا که یک معلم هر روز با بچه‌ها سروکار دارد، زندگی شادی را تجربه خواهد کرد. زندگی‌ای آکنده از خنده و خاطرات شیرین با بچه‌ها بودن.

۸. زندگی اکثر معلم‌ها از قدردانی و سپاسگزاری دانش‌آموزان و والدینشان پر شده است و این بسیار باارزش است. آن‌ها هر روز و همیشه از معلم تشکر می‌کنند و کارت‌ها و هدیه‌هایی برای تشکر می‌فرستند.

۱۰. یک معلم می‌تواند بهترین دوستان را داشته باشد. معلم‌ها به‌دلیل وجه مشترک «علاقه به تدریس» می‌توانند بهترین دوستان برای یکدیگر باشند.

۱۱. تماشای رفتار کودکان در برابر یکدیگر، قلب معلم را گرم می‌کند. سر و صداها، شلوغی‌ها، هیجان‌ها و خنده‌ها باعث می‌شود زندگی معلم پر از شور و نشاط باشد. این سبک زندگی بسیار جالب خواهد بود.

۱۲. معلمی نیاز مداوم هر جامعه‌ای است. معلمان می‌توانند نظام آموزشی را بهتر کنند و در آن تأثیرات مثبتی به وجود آورند. با بهبود کیفیت نظام آموزشی، معلم بازخوردهای خوبی در زندگی خود دریافت خواهد کرد.

۱۵. برای یک معلم این امکان وجود دارد که دنیا را جای بهتری برای زندگی کردن کند و نسل بعدی را یاری برساند که بهتر از قبل شکل بگیرند.

۱۶. معلم بودن به معنای داشتن احترامی همیشگی است. شاید برخی از مردم معلمی را نادیده بگیرند یا به معلم بی‌احترامی کنند؛ اما دانش‌آموزان و والدین آن‌ها و اکثر افراد جامعه همیشه به معلم احترام خواهند گذاشت.



مأموریت



مریم رسولی

مدیر مدرسه‌ی ابتدایی

پسرانه‌ی شهید چمران،

ناحیه‌ی ۲، شهرری

۱۸ آذر ۱۳۹۴ بود؛ روز تولد مدرم. هر سال در چنین روزی بابا با هدیه و گل به خانه می‌آمد و به مامان تبریک می‌گفت؛ اما در آن سال بابا سوریه بود و وظیفه‌ی من سنگین‌تر شده بود؛ چون باید جای خالی بابا را پر می‌کردم. با اجازه‌ی مدرم روز قبل همراه خاله به بازار رفته و هدیه‌ی کوچکی برای او خریده بودم. صبح زود هدیه به دست کنار رختخواب مامان نشسته و منتظر بودم تا از خواب بیدار شود. همین که او کمی چشمانش را باز کرد و با دست روی فرش می‌کشید تا گوشی‌اش را پیدا کند و ساعت را ببیند، بغلش کردم. او را بوسیدم و گفتم: «مامان جون، تولدت مبارک!» مامان هم مرا محکم بغل کرد، بوسید و گفت: «ممنون گلم!» بعد هدیه را به او دادم. مامان گفت: «صباحان، راضی به زحمت نبوادم.» او هدیه را گرفت و باز کرد. مامان بامهربانی گفت: «چه روسری قشنگی!» روسری را سر کرد، جلوی آینه رفت و گفت: «ممنون عزیزم!» از اینکه باعث خوش حالی او شده بودم، احساس رضایت می‌کردم؛ اما شاید هیچ چیز به اندازه‌ی تماس بابا و اطمینان از سلامتی او مامان را خوش حال نمی‌کرد. آن روز او دوست داشت، بابا با تماس زود هنگام خود باعث غافلگیری‌اش شود و روز تولدش را به او تبریک بگوید. بابا هر روز حدود ساعت ۱۱ صبح تماس می‌گرفت. بعد از آن مامان دست مرا می‌گرفت و با هم به سمت مدرسه راه می‌افتادیم. (مامان معلم بود و من دانش‌آموز او بودم). ساعت ۱۱:۱۵ شد، اما بابا هنوز تماس نگرفته بود. مامان یک لحظه به عقربه‌های ساعت و لحظه‌ای دیگر به گوشی تلفن نگاه می‌کرد. عقربه‌ی دقیقه‌شمار و ثانیه‌شمار انگار دنبال هم کرده بودند و با سرعت حرکت می‌کردند. اگر دیرتر راه می‌افتادیم با تأخیر به مدرسه می‌رسیدیم؛ اما مامان منتظر صدای زنگ تلفن بود و

تلفن هم در سکوت کامل. مامان دست مرا گرفت و با نگرانی در حالی که تا لحظه‌ی آخر گوشی تلفن را نگاه می‌کرد از خانه خارج شدیم. از جلوی در کمی با مکث حرکت کرد و به آرامی کلید را در قفل چرخاند. همچنان منتظر بود تا شاید تلفن زنگ بخورد؛ اما نه، فایده‌ای نداشت. به او گفتم: «مامان، بیا برویم، حتماً با تلفن همراهت تماس می‌گیری.» اما می‌دانستم در ذهن مامان چه می‌گذرد. او فکر می‌کرد تماس با تلفن همراه احتمال کمی دارد. (در آن زمان بابا به راحتی نمی‌توانست با تلفن همراه تماس بگیرد و اغلب با تلفن ثابت زنگ می‌زد). با وجود این، او تلفن همراهش را از کیف درآورد و محکم در دست گرفت. کاملاً حس می‌کردم که گوشی را از شدت نگرانی در دست می‌فشارد. در حال حرکت به سمت مدرسه بودیم و داشتیم از خیابان عبور می‌کردیم؛ اما به خاطر به هم ریختن ذهن مامان، نزدیک بود تصادف کنیم. ساعت ۱۲:۳۰ به مدرسه رسیدیم. نگرانی در چهره‌ی مامان موج می‌زد. او به سمت دفتر مدرسه رفت. من جلوی در دفتر ایستادم تا او بیاید. او

تأکید می‌کرد، حالا چند تا در میان جواب سلام بچه‌ها را می‌داد. با شناختی که از مادر داشتیم، می‌دانستیم که الان کلی از اتفاقات بد را از ذهن خود عبور می‌دهد؛ شاید اتفاقی برایش افتاده! شاید زخمی شده! شاید اسیر شده! شاید... و هزاران شاید دیگر. چشم از چهره‌ی نگران مادر بر نمی‌داشتم که ناگهان دیدم اشک از گوشه‌ی چشمانش سرازیر شده است. با اشاره خواستیم به او بگویم که گریه نکن؛ اما انگار اصلاً مرا نمی‌دید. خوشبختانه قبل از اینکه توجه بچه‌ها به او جلب شود، با انگشت اشاره اشک جاری شده را پاک کرد. بعد رو کرد به محدثه که از شاگردان زنگ کلاس بود و گفت: «دخترم، بیا پای تخته و تمرینات ریاضی را حل کن.» می‌دانستیم او آن قدر حالش بد است که توان تدریس ندارد. مامان گوشی را برداشت و با شوهر خاله‌ام که همکار بابا هم بود، تماس گرفت و با صدای لرزان گفت: «علی آقا، می‌توانید یک خبر از محمد بگیرید، نگران‌ش هستم.» او هم گفت: «چشم.» نیم‌ساعتی گذشت و از شوهر خاله‌ام هم خبری نشد. مامان دوباره تماس گرفت و گفت: «ببخشید دوباره تماس گرفتم، چی شد؟ تونستید با او تماس بگیرید؟» او گفت: «خیر، پیگیر هستم.» خلاصه شوهر خاله‌ام هم مرتب با افراد متعدد و حتی با سوریه تماس گرفته بود که خبری از او بگیرد، اما موفق نشده بود خبری به دست بیاورد. زنگ تفریح زده شد و بچه‌ها با هیاهوی زیاد از کلاس خارج شدند. من برای دلداری به مامان در کلاس ماندم. او سرش را روی میز گذاشته بود. وقتی سرش را بلند کرد، تمام صورت و بخشی از مقنعه‌اش خیس شده بود. مدیر مدرسه که متوجه حال بد مامان شده بود، پیش او آمد و گفت: «خانم، چیزی شده؟» مامان گفت: «چطور؟» او گفت: «احساس می‌کنم حالت خوب نیست.» اما بابا به من و مامان سفارش کرده بود کسی نباید بداند که من مدافع حرم هستم. مامان به چشمان مدیر مدرسه نگاه کرد و با وجود اینکه از دروغ بیزار است، از روی اجبار گفت: «نه، چیزی نشده، حالم خوب است.» ساعت ۳ مامان برای بار سوم با شوهر خاله‌ام تماس گرفت تا شاید خبری از بابا بگیرد؛ اما او که نتوانسته بود خبری از بابا به دست بیاورد و جوابی نداشت که به مامان بدهد، دیگر تماس‌های او را جواب نمی‌داد. بالاخره بعد از چند بار تماس، شوهر خاله‌ام جواب داد و گفت: «یکی

۶۶

آن روز مامان دوست داشت، بابا با تماس زود هنگام خود باعث غافلگیری‌اش شود و روز تولدش را به او تبریک بگوید

همیشه با لبخند به دفتر مدرسه وارد می‌شد و با همه احوالپرسی می‌کرد؛ اما آن روز حال خوشی نداشت، فکر کنم برای اینکه کسی متوجه حال بد او نشود با لبخندی از سر اجبار وارد دفتر شد. سریع دفتر حضور و غیاب را امضا زد و با هم به سمت کلاس رفتیم. ساعت ۱ شد. اضطراب مامان لحظه به لحظه بیشتر و بیشتر می‌شد. حالا این نگرانی به من هم منتقل شده بود. آخر، بابا آدم بدقولی نبود. حتماً برای او مشکلی پیش آمده بود. انتظار سخت است، به ویژه انتظار برای کسی که در محل جنگ قرار دارد و هر لحظه ممکن است خطر او را تهدید کند. دیگر کلاس شروع شده بود. من پشت میز نشستم. دانش‌آموزان یکی‌یکی وارد کلاس می‌شدند و سلام می‌کردند. مامان که آن قدر همیشه به همه‌ی بچه‌ها در مورد جواب سلام‌دادن

از دوستانش گفته صبح او را دیده‌ام، سلامت است.» اما نه، مامان نمی‌توانست بپذیرد. او گفت: «باید خودم صدایش را بشنوم تا خیالم راحت شود. لطفاً بگویند هر طور شده با من تماس بگیرد.» مامان گوشی را از دستش جدا نمی‌کرد، تا شاید از او خبری شود. ساعت ۴ شد. ۵ ساعت در انتظار تماس بودیم. ناگهان صدای زنگ گوشی مامان به صدا درآمد. تلفن از سوریه بود. مامان سریع جواب داد. مردی پشت خط بود و گفت: «خانم م. ر؟» مامان با نگرانی گفت: «بله، بفرمایید.» مردی که پشت خط بود، گفت: «با همسر تان صحبت کنید.» صدای بابا بود. مامان داشت بال در می‌آورد؛ اما آن قدر غم و شادی با هم ترکیب شده بود که انگار چیزی راه گلوی مامان را بسته بود. مامان که آن قدر منتظر تماس بابا بود، حالا نمی‌توانست خوب حرف بزند. با زحمت گفت: «سلام.» بغض راه گلویش را بسته بود. با ناراحتی گفت: «فقط می‌خواستم صدایت را بشنوم، حالم خوب نیست. شب تماس بگیر.» تلفن قطع شد، بدون آنکه بابا با من صحبت کند. اما همین که مامان آرام گرفته بود و بابا سلامت بود، برایم کافی بود. ساعت ۸ شب بود، بابا تماس گرفت، من گوشی را برداشتم و گفتم: «سلام بابا، چرا صبح تماس نگرفتی؟ من و مامان را خیلی نگران کردی. مامان یک عالمه گریه کرد.» بابا گفت: «خب، مگر نگفته بودم مواظب مامان باش، باید دلداری‌اش می‌دادی.» گفتم: «آخر یکی باید خودم را دلداری می‌داد.» بابا خندید و گفت: «ای بابا! من را ببین زخم را به چه کسی سپرده‌ام. حالا گوشی را بده مامان، خودم دلداری‌اش بدهم.» مامان همین که گوشی را گرفت، شروع کرد به گله کردن. حق هم داشت، او انتظار نداشت روز تولدش چنین روز سختی برایش باشد. اما بابا برای اینکه ناراحتی مامان را کم کند، با مهربانی همیشگی معذرت‌خواهی کرد و گفت: «خانم به لطف شما کل همکاران متوجه شدند که من چند ساعت دیرتر تماس گرفته‌ام.» مامان پرسید: «کجا بودی؟ چرا مثل هر روز ساعت ۱۱ تماس نگرفتی؟» بابا جواب داد: «از دیشب مأموریت بودم، تلفنی که بتوان با خارج از کشور تماس گرفت، در اختیارم نبود. همکاران موقعی که متوجه نگرانی شما شدند، به من خبر دادند و با یک تماس کنفرانسی شرایط ارتباط با شما را فراهم کردند.» بعد بابا دوباره خندید و گفت: «خانم، راستی تولدت مبارک!»^۱





همراه بارشد

بررسی مجلات رشد کودک، نوآموز و دانش آموز



محمد رضا رشیدی

خلاصه‌ای از قصه‌درس‌ها به همراه مفاهیمی که از کتاب‌های درسی برای این قصه‌ها انتخاب شده و همچنین بخش‌هایی از مجله که در قصه‌درس‌های شماره‌ی دی‌ماه آمده است، به این شرح است:

مجله‌ی رشد نوآموز

خلاصه‌ی قصه‌درس: روز مادر نزدیک است. پیمان به پونه کمک می‌کند تا پول‌هایش را بشمارد. پونه می‌خواهد برای روز مادر کیفی بخرد که داخلش شانه و آینه و گل سر دارد. پیمان که پول ندارد تصمیم می‌گیرد، به‌عنوان هدیه، درسش را بهتر بخواند. روز مادر به‌سبب آلودگی هوا پونه نمی‌تواند برای خرید بیرون برود؛ اما پدر فکر همه‌جا را کرده است...

مفاهیمی که از کتاب‌های درسی انتخاب شده است:

- ریاضی دوم، آشنایی با پول و شمارش آن.
- ریاضی دوم، تقریب اعداد.
- علوم تجربی دوم، هوای سالم.
- فارسی سوم، درس دهم، یار مهربان.
- ریاضی سوم، ضرب و تقسیم.
- ریاضی سوم، تقریب اعداد.
- علوم تجربی سوم، آینه‌ها.

بخش‌هایی از مجله که داخل قصه‌درس آمده است:

- **کاردستی:** ساخت هدیه روز مادر.
- **آشپزی:** پخت شیرینی.

مجله‌ی رشد کودک

خلاصه‌ی قصه‌درس: در این قصه امیرمحمد با دوستانش در کلاس جشنی را برای پذیرایی از مادرانشان تدارک می‌بینند و در روز مادر به بهترین دوست‌داشتنی دنیا (مادر) گل سنگی هدیه می‌دهند. گل‌های سنگی که خودشان به کمک معلم مهربانشان در کلاس درست کرده‌اند.

مفاهیمی که از کتاب‌های درسی انتخاب شده است:

- ریاضی پایه‌ی اول، عدد مجموعه، شمارش و تناظر.
- علوم تجربی پایه‌ی اول، تفاوت شکل و رنگ سنگ‌ها.

بخش‌هایی از مجله که داخل قصه‌درس آمده است:

- **کاردستی:** نقاشی روی سنگ.
- **کاردستی:** ساخت گل کاغذی.



مجله‌ی رشد دانش آموز

خلاصه‌ی قصه‌درس: باز هم صدرا و صدرا وارد داستان‌هایی عجیب و غریب می‌شوند و این بار در سه داستان با نام‌های «چرا برای هر خانه یک قطب‌نما لازم است؟»، «موزه‌ای در صندوقچه‌ی مادر بزرگ طیبیه!» و «حلم‌ا و صدرا کارآگاه می‌شوند!» نقش‌آفرینی می‌کنند.

مفاهیمی که از کتاب‌های درسی انتخاب شده است:

- علوم تجربی چهارم، قطب‌نما.
- مطالعات اجتماعی چهارم، تاریخ‌شناسی و باستان‌شناسی.
- هدیه‌های آسمان پنجم، بدگمانی.
- بخش‌هایی از مجله که داخل قصه‌درس آمده است:**
- **کاردستی:** ساخت هدیه.
- **آشپزی:** پخت کیک.

آموزشی

دی‌ماه

دوره‌ی بیست و هفتم
شماره‌ی ۴ / ۱۴۰۲

۴۵

بازی تدریس

بازی وارسازی مفاهیم درسی

محسن عاشوری، راهبر آموزشی و تربیتی، استان

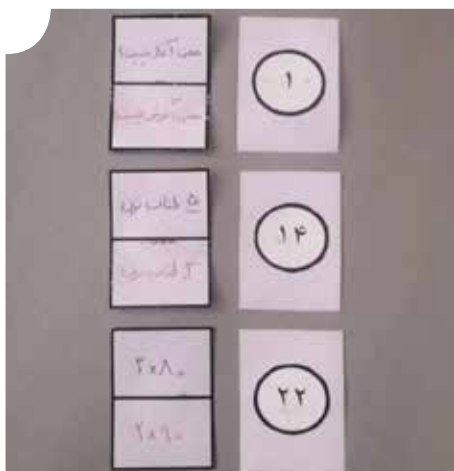
سمنان، شهرستان آرادان

راضیه نصیری، آموزگار پایه‌ی سوم ابتدایی

یادگیری فرایندی پویا و پیچیده است که از گذشته تاکنون همواره انسان‌ها به آن توجه داشته‌اند. با توسعه‌ی فناوری‌ها و علوم شناختی، روش‌های گوناگونی برای بهبود این فرایند ارائه شده است. یکی از این روش‌ها، بازی‌وارسازی مفاهیم درسی است که اخیراً به‌عنوان رویکردی نوین در حوزه‌ی آموزش و یادگیری مطرح شده است. در این مقاله، به تبیین چیستی و چگونگی بازی‌وارسازی مفاهیم درسی پرداخته‌ایم و نقش آن را در بهبود فرایند یادگیری بررسی کرده‌ایم.

تعریف اصطلاح بازی‌وارسازی مفاهیم درسی

بازی‌وارسازی مفاهیم درسی به معنای استفاده از اصول و عناصر بازی‌سازی در طراحی و اجرای فعالیت‌های آموزشی است. در این روش، مفاهیم درسی از طریق انجام بازی‌ها و چالش‌های متعدد به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شوند. از ویژگی‌های بازی‌وارسازی مفاهیم درسی به شکل استاندارد می‌توان به تعامل فعال دانش‌آموزان، ایجاد محیط یادگیری جذاب و تشویق به تفکر خلاقانه اشاره کرد.



مفاهیم اصلی مندرج در رویکرد بازی‌وارسازی

۱. عناصر بازی: بازی‌ورزی آموزشی یا بازی‌وارسازی مفاهیم آموزشی از عناصر گوناگون بازی استفاده می‌کند؛ عناصری مانند مسابقات، جورچین‌ها، معماها، نقش‌آفرینی‌ها و محیط و جلوه‌های واقع‌گرا. این عناصر بازی باعث تشویق دانش‌آموزان به شرکت فعال در فرایند یادگیری می‌شوند. به‌اختصار به توضیح برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

■ **الف) مسابقات و چالش‌ها:** ایجاد مسابقات و چالش‌ها، در فرایند آموزش، به دانش‌آموزان انگیزه می‌دهد تا در حل مسائل به رقابت بپردازند. این عنصر تشویق می‌کند تا دانش‌آموزان به تعامل فعال روی بیاورند.

■ **ب) جورچین‌ها و معماها:** استفاده از جورچین‌ها و معماها به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا با تفکر منطقی و خلاقانه مشکلات را حل کنند. این عنصر باعث تقویت مهارت‌های تفکری و تحلیلی می‌شود.

■ **ج) نقش‌آفرینی:** وقتی دانش‌آموزان در نقش‌های گوناگون قرار می‌گیرند و تجربه‌ای از دیدگاه‌های متعدد به دست می‌آورند، توانایی درک عمیق‌تر مفاهیم و قضاوت‌های متنوع را پیدا می‌کنند.

■ **د) محیط و جلوه‌های واقع‌گرا:** ایجاد محیط‌های واقع‌گرا باعث می‌شود دانش‌آموزان در فرایند آموزش فعال‌تر باشند. محیط‌های واقع‌گرا و تعاملی اطلاعات را به یادگیری عمیق‌تر و مفهومی‌تر تبدیل می‌کنند.



۲. تعامل فعال: در بازی‌وارسازی مفاهیم آموزشی باید دانش‌آموزان به‌طور فعال در فرایند یادگیری شرکت کنند. آن‌ها در طول بازی‌ها و چالش‌ها، باید تصمیم‌های متعددی بگیرند، مسائل را حل کنند و به تفکر انتقادی خود اجازه دهند تا پاسخ‌های خلاقانه‌تری ارائه دهد. عنصر تعامل به معنای فعالیت و تبادل اطلاعات بین دانش‌آموزان و محتوای آموزشی است. تعامل در بازی‌وارسازی مفاهیم آموزشی به چند شکل می‌تواند اتفاق بیفتد:

■ **الف) تعامل با محتوا:** دانش‌آموزان در فرایند یادگیری با تفاوت‌ها و جنبه‌های متعدد مفاهیم درسی تعامل دارند. این تعامل مطالعه، تفسیر، پرسش و پاسخ و تبادل نظر درباره‌ی مفاهیم را شامل می‌شود.

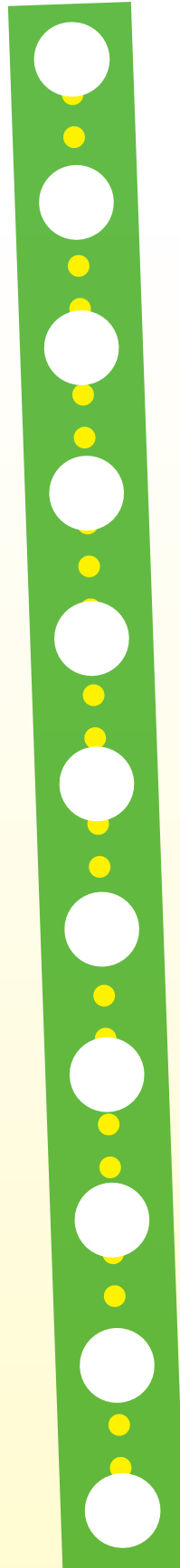
■ **ب) تعامل با دانش‌آموزان دیگر:** در روش بازی‌وارسازی، تعاملات گروهی و همکاری بین دانش‌آموزان ترویج می‌یابد. آن‌ها برای حل مسائل، ارائه‌ی راه‌حل‌ها و به‌اشتراک گذاشتن ایده‌ها با یکدیگر در تعامل هستند.

■ **ج) تعامل با محیط:** محیط‌های واقع‌گرا دانش‌آموزان را به تعامل بیشتر با محیط آموزشی ترغیب می‌کنند و اطلاعات را به‌صورت واقعی‌تر و تعاملی‌تر به دانش‌آموزان ارائه می‌دهند.

■ **د) تعامل با ابزارهای آموزشی:** از فناوری‌های گوناگون مانند رایانه‌ها، رایانک‌ها (تبلت‌ها) و نرم‌افزارهای آموزشی در بازی‌وارسازی مفاهیم استفاده می‌شود. این ابزارها امکان ایجاد تعامل دانش‌آموزان با محتوای آموزشی را تقویت می‌کنند.

■ **ه) تعامل با معلم:** در رویکرد بازی‌وارسازی مفاهیم آموزشی، بر نقش معلم به‌عنوان راهنما و مشاور برای دانش‌آموزان تأکید می‌شود. معلم با تعامل فعال با دانش‌آموزان به آن‌ها کمک می‌کند تا آن‌ها درک بهتری از مفاهیم داشته باشند.

■ **و) تعامل با عناصر بازی:** عناصری مانند مسابقات، جوهرچین‌ها و چالش‌ها که در بازی‌وارسازی مفاهیم آموزشی به کار می‌روند، باعث می‌شوند دانش‌آموزان به تعامل بیشتر با محتوا و وظایف آموزشی تشویق شوند.



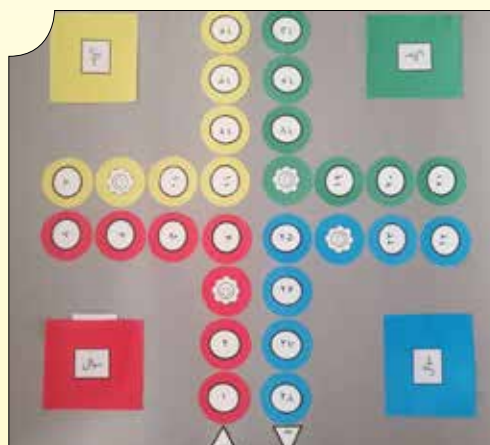
۳. مفاهیم: عنصر «مفاهیم» در بازی‌وارسازی به معنای محتوای درسی و مفاهیم آموزشی‌ای است که باید به دانش‌آموزان انتقال داده شود. این مفاهیم می‌توانند اطلاعات، دانش‌ها، مهارت‌ها، مفاهیم نظری و عملی یا اصول و مفاهیم کلیدی در موضوعات متعدد باشند. در رویکرد بازی‌وارسازی مفاهیم آموزشی تأکید بر فهم عمیق‌تر مفاهیم آموزشی است. برخی از نکات مهم درباره‌ی عنصر «مفاهیم» در این رویکرد عبارت‌اند از:

■ **الف) مفهوم‌محوری:** در بازی‌وارسازی مفاهیم آموزشی، مفاهیم اساسی و کلیدی درسی به‌عنوان محور اصلی طراحی بازی‌ها و فعالیت‌های آموزشی قرار می‌گیرند. این مفاهیم اساسی به‌صورت جذاب و تعاملی به دانش‌آموزان ارائه می‌شوند تا آن‌ها بتوانند با تمرکز روی اصول و ایده‌های اساسی درسی آموزش را دریافت کنند.

■ **ب) ارتباط با واقعیت‌های زندگی:** مفاهیم درسی در این رویکرد به‌نحوی طراحی می‌شوند که ارتباط مستقیم با واقعیت‌های زندگی دانش‌آموزان داشته باشند. این ارتباط به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا آن مفاهیم را به‌طور عمیق‌تر درک کنند و به کاربرد آن‌ها در زندگی واقعی پی ببرند.

■ **ج) ترکیب با عناصر بازی:** مفاهیم در فعالیت‌ها و بازی‌ها به‌صورت ترکیبی با عناصر بازی مانند مسابقات، جوهرچین‌ها، چالش‌ها و نقش‌آفرینی‌ها ارائه می‌شوند. این ترکیب باعث می‌شود دانش‌آموزان به‌صورت فعال‌تر و با علاقه‌ی بیشتری با مفاهیم درسی در تعامل باشند.

■ **د) جذابیت و تفاوت:** مفاهیم در این فرایند به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که با دو عنصر «جذابیت» و «تفاوت» همراه باشند. این امر باعث می‌شود دانش‌آموزان به‌دسته‌بندی بهتر مفاهیم بپردازند و آن‌ها را عمیق‌تر درک کنند.



مزایای بازی وارسازی مفاهیم درسی

۱. افزایش تعامل و مشارکت: بازی وارسازی مفاهیم درسی باعث افزایش تعامل دانش آموزان با یکدیگر و همچنین با محتوای درسی می شود. آن‌ها در طول فعالیت‌های بازی، به صورت فعال در فرایند یادگیری شرکت می کنند.

۲. تقویت مهارت‌های انتقالی: این روش باعث پرورش و تقویت مهارت‌های انتقالی مانند حل مسئله، همکاری، تفکر انتقادی و خلاقیت می شود. تقویت این مهارت‌ها به دانش آموزان در زندگی و یادگیری آینده‌شان کمک می کند.

۳. ایجاد محیط یادگیری مثبت: فضای یادگیری بازی‌وار دانش آموزان را تحریک می کند و باعث می شود تا با اشتیاق به رفع چالش‌ها و مشکلات یادگیری بپردازند.

۴. انگیزه بخشی: بازی وارسازی مفاهیم درسی انگیزه‌ی دانش آموزان را برای یادگیری افزایش می دهد؛ زیرا آن‌ها از طریق مسابقات و رقابت‌ها به یادگیری می پردازند.

مراحل اجرای بازی وارسازی مفاهیم درسی

۱. انتخاب مفاهیم: مفاهیمی که قرار است از طریق بازی وارسازی آموزش داده شوند، باید با دقت انتخاب شوند و با محتوای درسی هماهنگی داشته باشند.

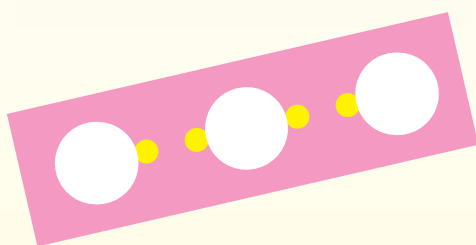
۲. تعیین اهداف: اهداف یادگیری موردانتظار از هر بازی باید مشخص شوند. این اهداف می توانند شامل تقویت مفاهیم، تقویت همکاری یا حتی ایجاد رقابت سازنده در کسب و درک مفاهیم آموزشی باشند.

۳. طراحی بازی: در این مرحله، بازی‌ها و فعالیت‌های مرتبط با مفاهیم درسی طراحی می شوند. از عناصر گوناگونی مانند مسابقات، جورچین‌ها، نقش آفرینی‌ها و... استفاده می شود.

۴. اجرا و ارزیابی: در این مرحله، بازی‌ها و قوانین تعیین شده به دانش آموزان ارائه می شود و پس از اجرا، نتایج و پیامدهای آموزشی ارزیابی می شود.

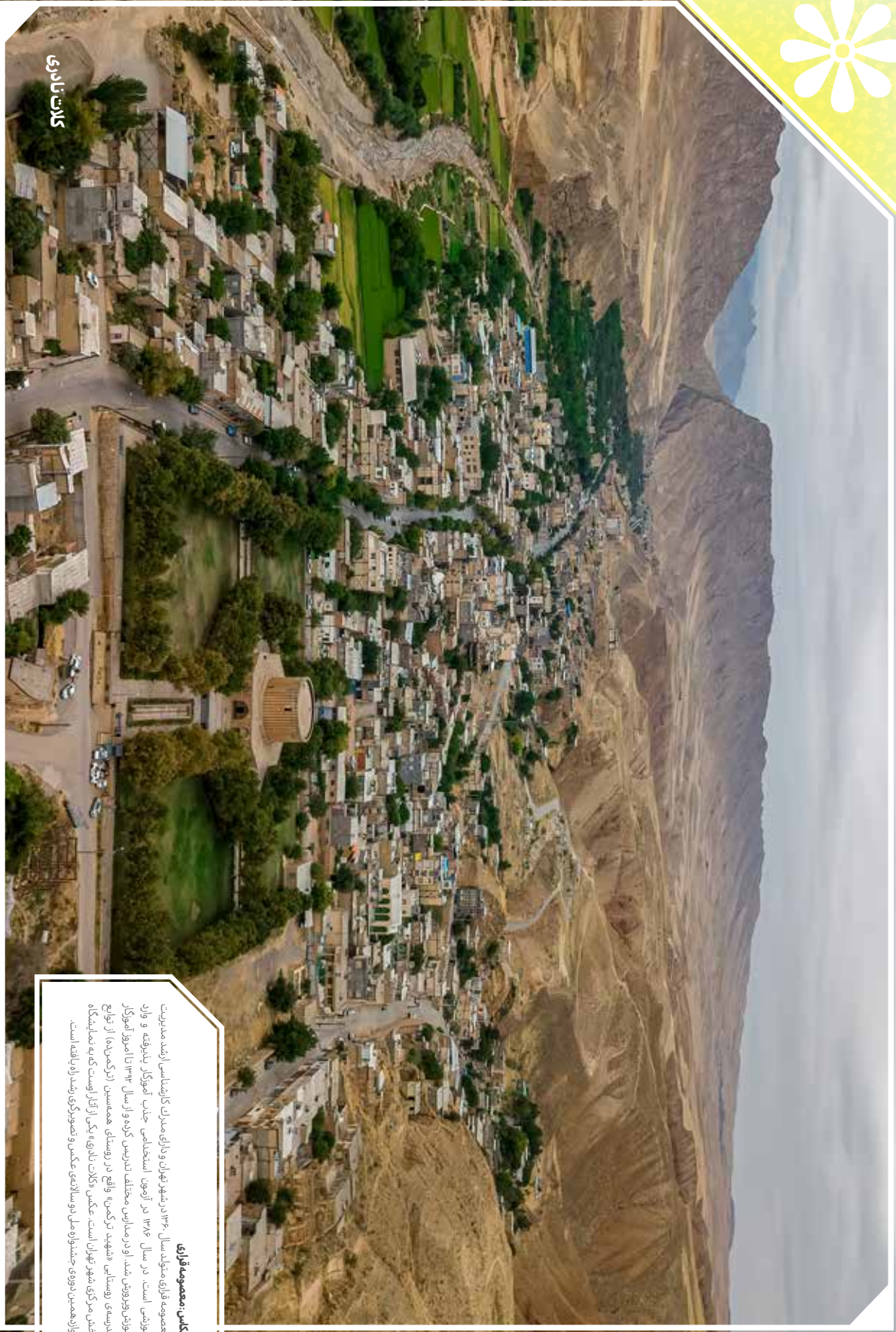


ارزشیابی از طریق بازی



نتیجه گیری

با توجه به تحولات روزافزون در حوزه‌ی آموزش و یادگیری، رویکردهای جدیدی نیاز است تا مطابق با نیازها و تغییرات اجتماعی، فرایند یادگیری بهبود یابد. بازی وارسازی مفاهیم درسی به عنوان یکی از این رویکردها، توانسته است با اجتماع مفاهیم آموزشی و اصول بازی‌سازی، یادگیری را جذاب‌تر و مؤثرتر کند. این رویکرد علاوه بر ایجاد انگیزش و تعامل بیشتر در دانش آموزان، با تقویت مهارت‌های انتقالی از جمله تفکر انتقادی، همکاری و حل مسئله، به عنوان یکی از اهداف اصلی یادگیری مدنظر قرار می گیرد. برخوردهای متنوع با محتواهای آموزشی از طریق بازی‌ها و چالش‌ها، دانش آموزان را به فعالیت‌های شناختی و تفکری علاقه‌مند می کند. این امر، به دور از روشنگری مستقیم، تسلط به مفاهیم درسی را ترویج می دهد. به عبارت دیگر، آموزش از طریق بازی‌ورزی به دانش آموزان این امکان را می دهد که در محیطی غیررسمی و خلاقانه، مفاهیم درسی را تجربه کنند.



کلات تاریخی

عکاس: مجموعه وازی

مجموعه وازی، متولد سال ۱۳۶۳ در شهر تهران و دارای مدرک کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی است. در سال ۱۳۹۴ در آزمون استخدامی جذب آموزگار پذیرفته و وارد آموزش و پرورش شد. او در مسابقات مختلف تیریس کوه و ارسال ۱۳۳۳ تا امروز آموزگار مدرسه روستایی شهید ترکیمه واقع در روستای همسین ارکمنیله از توابع بخش مرکزی شهر تهران است. عکس «کلات تاریخی» یکی از آثار اوست که به نمایشگاه دوازدهمین روزی جشنواره ملی نوسالاری عکس و تصویرگری پیشه را یافته است.



طوفان اقصا

Storm
Al.Aqsa

بار دیگر نیز می‌گویم
این ستاره‌های شش پر
در مسیر ماه، چون مین‌اند
ای دریغا نام دارود
ای دریغاتر ستاره
ای دریغا ماه
قدس، خون یحیی در دل تشت است
قصه یوسف درون چاه
سنگ‌ها بگذار چون باد فرود آیند
سنگ‌ها آستن ابرند
بازان کم نخواهد شد
هر شهید ابری است
جمعه‌ها در سجده خون
از شهیدان کم نخواهد شد

بار دیگر نیز می‌گویم
سیدی زخمی ست اینک قدس
و خیرها همچنان خون
دردها سنگین
سنگ‌ها برآتر از تیغ صلاح‌الدین
علیرضا فروه

